

در این شماره می خوانیم:

تأثیر معنویت بر سلامت روان

دوست دارم باسواد پولدار باشم اما...

کسورات دانشجویی؛ ۲۰ یا ۴۵

سنسوریز لیست

آنلاین ادبیاتی

ماهنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی
پهلو

قلم

۴۰
دانشگاه فرهنگیان / سال نهم
اسفند ۱۴۰۰ / شماره چهارم



فهرست مطالب

۴.....	ماه نگار.....
۵.....	میلاذ یار.....
۵.....	پیامبری از نور.....
۶.....	تأثیر معنویت بر سلامت روان.....
۸.....	چالش های بازگشایی دانشگاه فرهنگیان.....
۹.....	حق عائله مندی و اولاد.....
۱۰.....	زنان شاد، جامعه شاد.....
۱۱.....	من دلم را دار خواهم زد.....
۱۲.....	جیمز وب، نسل جدید تلسکوپ های فضایی.....
۱۳.....	نور سبز.....
۱۴.....	دوست دارم باسواد پولدار باشم اما.....
۱۶.....	طرح بوم.....
۱۷.....	راوی.....
۱۷.....	کتابخانه من.....
۱۸.....	زخم دروغین!.....
۱۹.....	سقوطی از جنس آزادی در قفس مرگ.....
۲۰.....	کسورات دانشجویی، ۲۰ یا ۴۵.....
۲۲.....	سفری به پرشورترین و خاص ترین کشور قاره اروپا؛ اسپانیا.....
۲۳.....	مسجد یا کلیسا کوردوبا.....
۲۴.....	فرهنگ مداری.....
۲۵.....	تربیت اسلامی؛ بال پرواز آدم.....
۲۶.....	پرواز.....
۲۷.....	ظهور عصری نو در روابط بین الملل ایران.....
۲۸.....	آموزش طراحی سایت (مقدماتی).....
۲۹.....	داستان تولد Pinterest.....
۳۰.....	کنکوری شوا.....
۳۲.....	ته دیگ امسال.....
۳۳.....	سنسزلیک.....
۳۴.....	آنا دلی.....
۳۵.....	خلاقیت قطعه گمشده پازل آموزش (قسمت اول).....
۳۵.....	گیم اف تیچینگ.....
۳۶.....	تویتر.....
۳۷.....	سودوکو.....
۳۷.....	سوزن دوزی.....

شناسنامه نشریه

« نشریه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

قلم، سال نهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۴۰۰ »

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

دانشگاه فرهنگیان آذربایجان شرقی

مدیرمسئول: علیرضا خدایی

سرمدبیران: فائزه ایمانی، زهرا خلفی

دبیران واحد فرهنگی - اجتماعی: وجیهه گوزلی، حسین محمودی

دبیر واحد سیاسی: علی قناتی

دبیران واحد تعلیم و تربیت: فاطمه مؤید، نازیلا مظلوم

دبیر واحد صنفی - دانشجویی: میرعلی نقی زاده

دبیر واحد گردشگری: مهدیه باقری اقدام

دبیر واحد علمی: نگار رشیدی

دبیران واحد فناوری - تکنولوژی: معصومه تقی زاده، محمدمین غالبی

هیات تحریریه:

دکتر پناهعلی حسین زاده، حمید بهرام قناد، فاطمه بهنام، زهرا توحیدفام،

مهدی جعفری، فاطمه حاجی زاده، شادی حسینقلی زاده، افسانه رضایی،

علیرضا سهرابی، عالیله شیخی، مریم شیری، محمدمین صفایی، علی عزتی،

محمدمین غالبی، توحید فتاحی، زهرا فرهنگی، فاطمه فخرایی اقدام، علی

قناتی، سید مهدی قوامیان، مهدی کاظمی، کوثر کربلایی زاده، وجیهه

گوزلی، آیدا محمدی، نارنیز محمدی، زهرا مبادرثانی، زهرا مسلمی

وایقان، لیلیا مصطفایی، نازیلا مظلوم، فاطمه مؤید، فرزانه میری، فاطمه

نجاری، میرعلی نقی زاده، فاطمه ایمانی، فائزه ایمانی.

رسانه: شکوبا اسلامی، علیرضا سهرابی، مریم شیری، فرزانه علیپور،

فاطمه فخرایی اقدام، حسین محمودی.

مدیر اجرایی: علیرضا ابوالفتحی

طراح و صفحه آرا: معصومه تقی زاده

طراح جلد: معصومه تقی زاده

روابط عمومی و فضای مجازی: رقیه نوجه دهی

کاریکاتوربست: محمدرضا خیری

ویراستاران: محدثه شاکر، رقیه نوجه دهی



کانال های مجازی نشریه

برای دسترسی به لینک ها در نسخه

الکترونیکی، بر روی آیکون ها

لمس کنید

سخن مدیرمسئول

« فَكِدْ كَيْدَكَ وَاسْعَ سَعِيكَ وَ نَاصِبْ جُهْدَكَ فَوَاللَّهِ لَا تَمُحُو ذِكْرَنَا »

هر چه می‌توانی نقشه بکش، تلاش کن و بکوش، به خدا سوگند یاد ما محو شدنی نیست.

افسران پیشرفت و متعلمان والا رتبه، آینده‌ساز، متخصص، متعهد و مفاخر جامعه فرهنگی- تربیتی ایران اسلامی با توجه به نقش تعیین‌کننده در پیشبرد اهداف و آناتومی و شیرازه‌ی عقاید آینده‌سازان جامعه فرهیخته ایران اسلامی، در محورهای تخصص یافته چون شمع در حال تحقیق، تفحص و تولید محتوای مفید هستند. جامعه فرهیخته، والامقام، فتح‌العرش و عظیم‌الاشان جامعه فرهنگی- تعلیمی دانشگاه فرهنگیان، اعم از دانشجویان پرقدرت و فرزانه در صدد ایجاد بی‌بدیل‌ترین شگفتی‌های جامعه بیداری انقلابی در جامعه مملو از تبعیض اداری- تربیتی هستند. قطره‌ای از دریای روشنگری و راهبری را در عقاید و تفکرات باخردانه مخاطبان گرامی جای داده و ذره‌ای در اهداف و تفقد آیندگان جامعه مثمر‌تر واقع می‌شود. نهاد و بنیه جامعه ایرانی به برکت نماد علم، عصاره و جوهره‌ی فداکاری و ایثار، اسوه فرهنگ و تربیت، افتخار جامعه نوین و مایه فخر و بالندگی ایران آباد و آزاد تا به حال استوار و بلند قامت ایستاده است. کلمه معلم، کلمه طیبه‌ی انبیاست. بر انبیای زمانه‌ی خویش می‌بالیم.

ای بی‌خردانِ سخیف، هر چه می‌توانید نقشه بکشید، تلاش کنید و بکوشید، به خدا سوگند، یاد ما محو شدنی نیست.

نشریه قلم، مراتب سپاس و ستایش خود را از روشنفکران فرهنگی، انبیای آینده‌ی جامعه‌ی تعلیم- تربیت، یاری‌دهنده به جای می‌آورد و آرزوی توفیقات روزافزون برای این بزرگواران، از خدای مَنّان مسئلت دارد.

علیرضا خدایی

سخن سردبیر

با یاد خدا؛ در ابتدا متن و کلام

زینت بدهم به نام آن خالق تام

دیده‌ای وقتی دلتنگ می‌شوی چه حالی داری؟ بلند می‌شوی، تلفنت را برمی‌داری، شماره‌اش را می‌گیری؛ چه صوتی و چه تصویری! صدایش را می‌شنوی، چهره‌اش را می‌بینی و دلت کمی آرام می‌گیرد. شاید دلتنگی‌ات رفع نشود، اما حداقل از قبل آرام‌تری... دلتنگی‌ات که بیشتر می‌شود، دیگر تماس گرفتن کافی نیست، دیدن عکس‌هایش هم دردی را دوا نمی‌کند! باید به دیدارش بروی، در آغوشش بگیری، بنشینی و نگاهش کنی و هیچ‌نگویی وقتی حرف می‌زند...

اما وقتی نباشد و دستت به دستش نرسد چه؟ آن‌وقت که نتوانی چشمانش را ببینی چه؟ آنگاه که عکسی از صورتش نداری... حتی صدایی از او نشنیده‌ای... چه می‌کنی با دلتنگی‌هایت؟! چه می‌کنی با غم دوری‌اش؟! آری... غم عشقش بیابان پرورت می‌کند... آه از نهادت برمی‌آید که چرا دستت به دستش نمی‌رسد... در فراقش اشک می‌ریزی و اشک چشمانت که خشک شد، خون‌گریه می‌کنی...

و خدا داند در مدت این عمر کوتاهمان چندبار توانسته‌ایم بدون اینکه بشناسیمت، زیارتت کنیم...

طبق روال همیشگی قلم، خدا منان را شاکریم که بار دیگر توانستیم با همت تمامی دانشجویان صاحب‌اندیشه و صاحب‌قلم، شماره چهل‌م نشریه فرهنگی، سیاسی اجتماعی قلم را تقدیم نگاه‌گیرای شما خوبان کنیم. امیدواریم واژه‌واژه ما را بخوانید و با آن‌ها زندگی کنید. زنده باد نگاه روشن و قلب پهناورتان که هر لحظه پیوست هر شماره نشریه قلم است.

با احترام؛

فائزه ایمانی، زهرا خلفی

مهدی جعفری



ولادت امام موسی کاظم (علیه السلام)

ای باب حوائج لقبت یا کاظم
ای پاک، ضلال و نسبت یا کاظم
شد خلق تو تمثیل صفات منان
با کظم غیظ و غضبت یا کاظم

ولادت امام سجاد (علیه السلام)

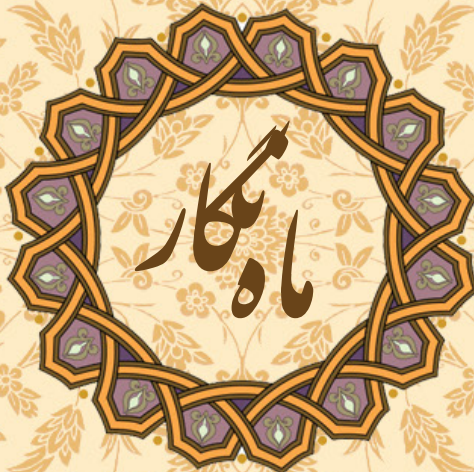
از نور نمازش شده عالم پر نور
با راز و نیازش شده عالم پر شور
با آمدنش عرش و زمین شاد شدند
از دیدن رویش شده عالم مسرور

ولادت حضرت عباس (سلام الله علیه)

سردار و علمدار شجاعت عباس
الگوی ادب، بحر اطاعت عباس
آمزش و بخشایش حق را تمثیل
زیبنده و شایان شفاعت عباس

ولادت امام حسین (ع)

سرو ایثار و شجاعت، روح ایمان و شهامت
سرور اهل بهشت و سرور اهل کرامت
اوست مصباح هدایت، اسوه حق شهادت
کرده نورانی جهان را نور او، نور امامت
گام‌های او نسیم جان‌فزای مهر و محبت
دردها را می‌دهد با یک نگاه خود سلامت
اوست ثارالله، سالار شهیدان، کوه ایمان
کوه غیرت، صبر، دریای عمیق استقامت



ولادت حضرت علی اکبر (علیه السلام)

شبیبه‌تر زملانک به روی ماه محمد
صفات و خلق و حدیثش گواه راه محمد
سپاه کفر بریزد به هم به یک نظر او
نگاه پرشرش هم شود سپاه محمد
به لطف یک نظرش دردها دوا گردد چون
نگاه اوست یقیناً همان نگاه محمد
کمال و شأن نبی را به دوش خود دارد او
خوشا به شأن و مقامش خوشا به جاه محمد

ولادت حضرت محمد (ص)

کیست احمد، نور سرمد، رحمه للعالمین
مایه فخر و مباهات سماوات و زمین
ای هویدا از نگاه تو صراط مستقیم
ای نظرهای کریم تو هدی للمتقین
گشته حیران کل عالم از شب معراج تو
ای که هستی عروه الوثقای دین، جبل‌المتین
ای که اعجاز تو روشن کرده راه عدل را
از اشارت‌های ابرویت مبرهن شد یقین
هم‌قدم شد با قدم‌های نخستت بو تراب
رحمت و حمد الهی بر تو و یعقوب دین

ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

به آتش هجرت سوخت جان ما آقا
تمام کن غم ما را بیا گل طاهها
بیا عدالت را برجهان نمایان کن
به عدل حیدر، شاهی کن ای شه یکتا
بیا پناه فقیران، امیر ملک کرم
کم است بر تو بگویم امیر بی‌همتا
دلیل خلق جهانی دمت مسیحایی
تو روح خلقت ربی، بیا نشان خدا
بیا تو منتقمی بر دم حسین باز آ
که خون ابن علی مانده منتظر آقا

میلااد یار وجیهه گوزلی

قلمم شرمگین است از برای تو نوشتن، چرا که نوشتن هیچ دردی از دردمند را دوا نمی‌کند. من از برای تو منتظر ماندم و تو از برای من. من منتظرم تو بیایی و تو منتظری من برگردم، برگردم از مسیری که انتهایش نابودی است. من از برای فرج دعا می‌کنم، تو از برای گناهانم. غافل از اینکه فرج دعا نمی‌خواهد؛ عملی می‌خواهد به شهادت امنیت جانت.

آقا جانم روز میلادت فرا رسیده و من رو سیاه‌تر از همیشه دست به دعایم که برگردی و بیایی، گناهکارم ولی انتهای دلم جز برای تو نیست! چه کنم که خطا رفتم مسیری را که سخت کرده آمدنت را... این بار بیا باهم زبان به دعای آمدنت بگشایم، بیا باهم چشمان لبریز از گناهان را ببندیم رو به آسمان بگوییم اللهم عجل لولیک الفرج.

دستم را بگیر و بگو که چه کنم، در کدام این مسیر قدم بگذارم که انتهایش وصال یار باشد... خسته‌ام از بی تو بودن، خسته‌ام از بار گناهانم، از توبه‌هایی که شکستم، ندیدم که آن توبه نبود که می‌شکستم؛ بلکه دلی بود که صدای شکستش آرام‌تر از همیشه به فریاد جهان درمی‌آمد. شاید قبل‌تر از من زیباتر گفته‌اند: آقا جان بیا تا جوانم بده رخ نشانم که این زندگانی وفایی ندارد ...

برای شنیدن نسخه
صوتی میلاد یار
بارکد را لمس یا
اسکن کنید.



پیامبری از نور افسانه رضایی

بعثت نبی اکرم یعنی برانگیخته شدن پاک‌ترین بنده خدا برای هدایت سایر مخلوقات؛ همان پاک‌ترین بنده‌ای که همچون باغبانی مهربان، بذر دعوت به سوی حقانیت را در دل صحرای جاهلیت کاشت و با نور هدایت و گرمای محبتش از آن بذر نگهداری کرد تا اینکه این بذر جوانه زد و نهال اسلام رویید.

آری، بعثت آن نبی گرمی سر آغازی بود برای رشد این نهال؛ به گونه‌ای که این نهال اسلام به واسطه ایمان مستحکم و استوار آن حضرت بود که رشد نمود تا جایی که اکنون به درختی تناور تبدیل شده که ریشه‌هایش در عمق قلب‌ها و جان‌های آدمیان نفوذ کرده و سایه حقانیتش سراسر عالم هستی را فرا گرفته است و میوه انسانیت و حقانیت را به همگان تعارف می‌کند و می‌بخشاید.

آری بعثت آن نور رحمت بود که تاریکی جاهلیت را به روشنایی خردمندی مبدل نمود. همان بعثتی که با برانگیختن دلسوزترین بندگان به رسالت هدایت جهانیان، جهان را از پرتگاه ظلمات جهالت نجات داد و هدیه عدالت و خردورزی را برای جهانیان به ارمغان آورد.

برای شنیدن نسخه
صوتی پیامبری از نور
بارکد را لمس یا
اسکن کنید.



تأثیر معنویت بر سلامت روان

دکتر پناهعلی حسین زاده

از بدو خلقت بهره مندی از سلامت روانی در کنار سلامت جسمانی، اجتماعی و... لازمه رشد و شکوفایی انسان ها می باشد. به ویژه در جامعه رو به رشد کنونی که انسان ها بیش از گذشته در برابر شرایط نامساعد و فشار آور زندگی قرار گرفته و مشکلات و پیچیدگی های موجود، آن ها را بیش از پیش در برابر فشارهای روانی مستمر قرار می دهد. اندیشمندان این حوزه برای تأمین سلامت روان انسان ها، راهکارهای متعددی را پیش بینی و اجرا نموده اند که نتایج مورد انتظار را برآورد نموده است. اخیراً برخی روان شناسان و روان پزشکان به نقش مذهب و معنویت در تأمین سلامت روان توجه نموده و آن را عامل اصلی تشکیل دهنده منش یا شخصیت اخلاقی، یعنی آن قسمت از شخصیت که راهنمای خوب و بد است، می دانند.

یونگ با مطالعه زیاد در زمینه ارتباط مذهب و سلامت روان در اواخر عمر خود معتقد شد، روانشناسی باید به مسائل دینی توجه خاصی نماید؛ زیرا مذهب بسیاری از نیازهای انسان را برآورده کرده و خلأهای وجودی او را پر می کند. به اعتقاد وی هیچ پایگاهی به اندازه مذهب در مقابل مشکلات و محرومیت های زندگی مستحکم نیست. ایشان در کنفرانسی (۱۹۳۵ میلادی) گفتند: نه تنها مسیحیت بلکه تمام مذاهب، انواعی از روان درمانی بوده و رنج های روحی و جسمی ناشی از روح را درمان کرده و بهبود می بخشند. او در سال ۱۹۴۶ در مقاله ای می نویسد: تنها دیدگاه های مفید و سودمند در جهان امروز، آن سیستم های روان درمانی هستند که ما آن ها را مذهب می نمایم. یونگ می گفت: هیچ گاه بیماری نداشته که درمانش مستلزم بازگشت او به مذهب نبوده باشد.

ویلیام جیمز معتقد است: ایمان بدون شک، مؤثرترین درمان اضطراب است. فقدان ایمان، زنگ خطری است که ناتوانی انسان را در برابر سختی های زندگی اعلام می دارد. او معتقد است همان طور که امواج خروشان اقیانوس نمی توانند آرامش ژرفای آن را به هم بزنند، دگرگونی های سطحی و موقت زندگی نمی توانند آرامش درونی انسان های متدین را برهم بزنند. گابریل، روانکاو دیگری است که معتقد است انسان متدین واقعی، هرگز دچار بیماری روانی نخواهد شد.

هنری لینک می گوید: در نتیجه تجربه طولانی خود در اجرای آزمایش های روانی بر روی کارگران به این نتیجه رسیدم که افراد متدین و کسانی که به معابد رفت و آمد می کنند، دارای شخصیت قوی تر و بهتر از بی دینان بوده و در برابر مشکلات کاری مقاومت زیادتری دارند. آرنولوتوین یکی از مورخان معروف معتقد است علت بحرانی که اروپائیان در قرن حاضر دچار آن شده اند، اساساً به فقر معنوی برمی گردد. تنها راه درمان این فروپاشی اخلاقی که غرب بر آن گرفتار است، بازگشت به دین است. با این اوصاف در عصری که به عصر اضطراب معروف است، زندگی مادی بر آن



سیطره انداخته و رقابت شدیدی برای به دست آوردن مادیات وجود دارد؛ نیاز بیشتری به غذای روحی احساس می‌شود. در این میان، ایمان دژ بسیار مستحکمی است که اکثر اندیشمندان آن را مؤثر در مقابله با مشکلات حاضر و پیش رو می‌دانند.

ایمان، اعتماد به نفس و قدرت انسان را بر صبر و تحمل سختی‌های زندگی افزایش داده و در او احساس امنیت و آرامش ایجاد می‌کند. در این زمینه خداوند متعال در آیه ۸۲ سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «آری آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک نیاموختند؛ امنیت برای آن‌هاست و آن‌ها هدایت یافتگان‌اند». فرد با ایمان تمامی اعمالش را برای رضایت خداوند متعال انجام می‌دهد؛ بنابراین همواره احساس می‌کند که خداوند با اوست و به او کمک می‌کند. به همین دلیل، احساس امنیت و آرامش می‌کند. داشتن گرایش مذهبی و ایمان به خدا، علاوه بر ایجاد پایگاه قوی برای احساس امنیت و آرامش درونی، پیروان خود را به انجام اعمالی تشویق می‌کند که این اعمال در پیش‌گیری از اختلالات روانی و درمان آن بسیار مؤثر هستند:

۱. عبادات: نماز، روزه، خمس، زکات و ...؛ پیامبر اسلام (ص) به هنگام فرارسیدن اوقات نماز می‌فرمودند: «ای بلال، ما را با نماز به آرامش وادار». در این رابطه دکتر توماس هایسلوب می‌گوید: مهم‌ترین عامل خواب آرامش‌بخش که من در طول سال‌های متمادی تجربه و مهارتم در مسائل روانی به آن پی بردم، همین نماز است. من به‌عنوان یک پزشک می‌گویم مهم‌ترین وسیله ایجاد آرامش در روان و اعصاب انسان که من تاکنون شناختم، نماز است. عده‌ای از روانشناسان معتقدند نماز اگر به جماعت خوانده شود موجب ایجاد روابط اجتماعی دوستانه و مودت‌آمیز با دیگران می‌شود که نه تنها به رشد شخصیت فرد کمک می‌کند؛ بلکه تعلق او را به گروه به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان تأمین نموده و سبب سلامت روانی وی می‌شود.

۲. دعا و نیایش: دعا و نیایش یکی دیگر از اعمالی است که به سلامت روان کمک می‌کند. پروفیسور والترمان در کتاب «نقدی بر مذهب و فلسفه» می‌نویسد: (در هنگام ستایش و نیایش

در آدمی چنان صمیمیت و اخلاصی ایجاد می‌شود که در هم‌صحبتی‌های

معمولی با مردم ممکن نیست)؛ و یا الکسیس کارل می‌گوید: (دعا

نه تنها جبران‌کننده ضعف انسان است، بلکه تقویت‌کننده قدرت

انسانی و ادامه‌دهنده کار مثبت و تلاش سازنده فرد در ساختن

زندگی فردی و اجتماعی‌اش به حساب می‌آید). در این رابطه

خداوند متعال در آیه ۷۷ سوره مبارکه فرقان می‌فرماید: «ای

رسول به امت بگو که اگر دعای شما نبود، پروردگار به شما

چه توجهی داشت که شما آیات حق را تکذیب کردید و به

کیفر آن خواهید رسید».

۳. صبر: صبر یکی دیگر از اعمالی است که خداوند متعال ما

را در برابر سختی‌ها به آن دعوت می‌کند. در این رابطه در آیه

۱۵۳ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: (ای افراد باایمان از صبر و

نماز کمک بگیرید. خداوند با صابران است).

البته باید بدانیم مذهب علاوه بر موارد یادشده، انسان را بر انجام

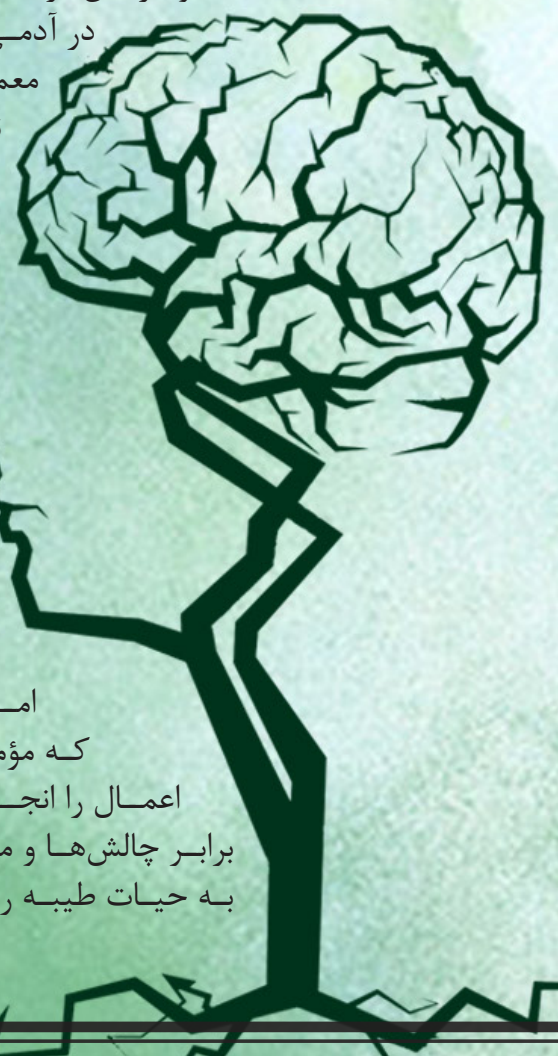
امور دیگری مانند توبه، نیکوکاری، صدقه دادن و ... تشویق می‌کند

که مؤمنان واقعی بر انجام دقیق آن‌ها تلاش می‌کنند. کسانی که این

اعمال را انجام می‌دهند، می‌توانند ناپاکی‌ها و لغزش‌ها را از خود دور کرده، در

برابر چالش‌ها و مشکلات زندگی مقاومت و بر آن‌ها غلبه نموده و زمینه دستیابی

به حیات طیبه را فراهم نمایند.





چالش‌های بازگشایی دانشگاه فرهنگیان

آیا کلاس‌های نیمسال آینده دانشگاه فرهنگیان حضوری خواهد شد؟

میرعلی نقی زاده

حدود دو سالی است که با شیوع ویروس کرونا و اعمال قرنطینه سراسری در اوایل

شیوع، دانشگاه فرهنگیان نیز به تبع سایر مراکز آموزشی، دانشجویان خود را روانه شهر و دیار خود کرد و فرایند آموزشی با چالشی جدی مواجه شده بود. مشکلات ارتباطی اینترنت از یک سو و عدم وجود زیرساخت‌های مناسب آموزش مجازی از سویی دیگر دست‌به‌دست هم داد تا در اولین نیمسال تحصیلی که با کرونا گلاویز شده بودیم، آموزش‌ها رنگ و بوی آموزش نداشته باشند؛ اما از نیمسال‌های بعدی تا به اکنون با راه‌اندازی سامانه آموزش مجازی دانشگاه فرهنگیان (LMS)، آن‌هم با وجود تمامی مشکلاتی که داشت و پیش‌تر از آن‌ها گفته‌ایم تا حدودی می‌توان گفت آموزش‌هایمان در قالب این سامانه شکلی رسمی‌تر و نظام‌مندتر یافت و به زبان خودمانی‌تر با کمک این سامانه توانستیم گلیم خودمان را از آب بیرون بکشیم.

اما اکنون مدتی است که سخنانی از حضوری شدن و بازگشایی دانشگاه فرهنگیان به گوش می‌رسد و علی‌الظاهر دانشگاه فرهنگیان حسب دستور وزیر محترم آموزش و پرورش چنین تصمیمی گرفته است. از اینکه در طی این مدت دانشجو معلمان نقل‌قول‌های متفاوت و گاه متناقضی از کم و کیف بازگشایی این دانشگاه شنیده‌اند بگذریم؛ اما ظاهراً طبق آخرین تصمیمات گرفته‌شده، پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان قصد دارد آموزش را برای ورودی‌های سال ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰ این دانشگاه، آن‌هم برای رشته آموزش ابتدایی در نیمسال آینده را حضوری کند. در این‌که هیچ نوع آموزشی از لحاظ کیفی نمی‌تواند جایگزین آموزش حضوری شود شکی نیست؛ اما برای بازگشایی دانشگاه‌ها در

این شرایط حساس کشور که عملاً می‌توان گفت وارد پیک ششم کرونا شده‌ایم و آمار مبتلایان و مرگ‌ومیر متأسفانه روزبه‌روز در حال افزایش است، نیاز به زیرساخت‌هایی داریم.

آیا خوابگاه‌ها، سلف غذاخوری، محیط آموزشی و سایر فضاهای دانشگاه امکان پذیرش این دسته از دانشجویان که تعدادشان نیز قابل توجه است را در این شرایط حساس دارد؟ هرچند اکثریت دانشجو معلمان واکسینه شده‌اند اما قابل‌انکار نیست که واکسیناسیون می‌تواند تنها احتمال بروز بیماری و مرگ‌ومیر را کمتر کند. آیا دانشگاه فرهنگیان مسئولیتی در قبال بیماری دانشجویان و خانواده‌های آنان بر عهده می‌گیرد؟ هرچند که وقتی بحث جان انسانی در میان است حتی پذیرش مسئولیت هم دردی را دوا نمی‌کند!

از سوی دیگر طبق هماهنگی‌های صورت گرفته بین پردیس‌های دانشگاه فرهنگیان با ادارات کل آموزش و پرورش برخی استان‌ها در ابتدای سال تحصیلی و با مجوز وزارتی، اکثریت دانشجو معلمان ورودی سال ۱۳۹۷ این دانشگاه به بهانه کمبود معلم توسط ادارات آموزش و پرورش به صورت غیرموظف دعوت به همکاری شده‌اند و اکنون در مدارس در حال تدریس می‌باشند. در صورت حضوری شدن دانشگاه برای این دسته از دانشجو معلمان، بدیهی است که این دانشجویان بین دانشگاه و مدرسه بلا تکلیف خواهند ماند و در صورت شرکت در کلاس‌های دانشگاه، تعداد قابل توجهی از کلاس‌های درس در مناطق آموزش و پرورش در نیمه سال خالی از معلم خواهد شد.

این‌ها تنها گوشه‌ای از چالش‌ها و دغدغه‌های دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان در خصوص بازگشایی دانشگاه بود... امید است مسئولین ذی‌ربط با در نظر گرفتن تمامی جوانب امر، در این شرایط حساس کشور از نظر همه‌گیری کرونا تصمیمی مناسب اتخاذ نمایند.

سید مهدی قوامیان

حق عائله‌مندی و حق اولاد

قوانین مربوط به حق عائله‌مندی و حق اولاد در احکام کارگزینی

حذف خواهد شد؛ و هم‌چنین نداشتن شوهر برای اولاد اناث خواهد بود. منظور از اولاد اناث یعنی فرزندان دختر. به این ترتیب اگر به محض ازدواج دختران حق اولاد وی از حکم کارگزینی والد حذف خواهد شد.

کارمندان زن شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر نبوده و یا همسر آنان معلول و یا از کارافتاده کلی هست و یا خود به تنهایی متکفل مخارج فرزندان هستند، از مزایای کمک‌هزینه عائله‌مندی موضوع این بند بهره‌مند می‌شوند. فرزندان معلول و از کارافتاده کلی به تشخیص مراجع پزشکی ذی‌ربط مشمول محدودیت سقف سنی مزبور نمی‌باشند، یعنی حق عائله‌مندی برای فرزندان معلول حتی بعد از ۲۵ سالگی هم تعلق می‌گیرد.

البته لازم به ذکر است که پس از اعمال افزایش ۵۰ درصدی امتیازات فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری در اسفندماه سال ۱۳۹۸، امتیازات مربوط به حق عائله‌مندی و حق اولاد نیز با ۵۰ درصد افزایش به ترتیب ۱۲۰۰ امتیاز و ۳۰۰ امتیاز در احکام کارگزینی محاسبه می‌شوند و برای محاسبه مبلغ ریالی این بندها بایستی امتیازات را در ضریب حقوقی که هر ساله توسط هیئت دولت به تصویب می‌رسد، ضرب کرد.

نکته قابل توجه این موضوع است که دانشجو معلمان در صورت ازدواج در دوران دانشجویی مشمول این بند نمی‌شوند، اما بعد از فارغ‌التحصیلی و تبدیل وضعیت استخدامی از رسمی آزمایشی به رسمی قطعی از مبلغ این بند داخل حکم کارگزینی برخوردار خواهند شد؛ اما در هنگام فارغ‌التحصیلی از دانشگاه و امتیازبندی دانشجو معلمان معمولاً برای دانشجو معلمان متأهل امتیاز ویژه‌ای از جهت تأهل قائل می‌شوند.

یکی از شیرین‌ترین اتفاقات زندگی هر کسی ازدواج کردن است؛ اما ازدواج هم مانند تمام موارد دیگر نیازمند صرف هزینه و خرج و مخارج بسیار است. تأمین هزینه‌های ازدواج برای کارمندان شاید اندکی سنگین باشد؛ چرا؟ چون کارمندا همیشه حقوق ثابت اما محدودی دارند و این حقوق ثابت معمولاً با حساب‌و‌کتاب خیلی زیادی خرج می‌شود و عمدتاً هم صرف پرداخت اقساط می‌شود. به خاطر همین لازم است بعد از اینکه کارمندی ازدواج کرد، مبلغی به عنوان هزینه ازدواج و تأمین مخارج همسرش به حقوق قبلی اضافه بشود. اسم این مبلغ را قانون‌گذار، حق عائله‌مندی در نظر گرفته است و بعد ازدواج در حکم کارگزینی اعمال می‌شود و بند دیگری هم که داخل حکم کارگزینی موجود است و مربوط به ازدواج می‌شود، حق اولاد است؛ یعنی بعد از اینکه کارمندان ازدواج کردند و صاحب فرزند هم شدند، جهت تأمین هزینه‌های فرزند یا فرزندان مبلغی تحت عنوان حق اولاد به حکم کارگزینی اضافه می‌شود.

اما ببینیم شرایط اختصاص بندهای مذکور چگونه است؟ یعنی قانون‌گذار به چه کسانی و با چه شروطی اجازه بهره‌مندی از حق اولاد و حق عائله‌مندی را داده است؟

بر اساس بند ۴ ماده ۶۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، کمک‌هزینه عائله‌مندی و اولاد به کارمندان مرد شاغل و بازنشسته و وظیفه‌بگیر مشمول این قانون که دارای همسر می‌باشند، معادل ۸۰۰ امتیاز به عنوان حق عائله‌مندی و برای هر فرزند معادل ۲۰۰ امتیاز به عنوان حق اولاد و حداکثر برای سه فرزند تعلق می‌گیرد. حداکثر سن برای اولادی که از مزایای این بند استفاده می‌کنند به شرط ادامه تحصیل و نیز غیر شاغل بودن فرزند، ۲۵ سال تمام است؛ یعنی اگر فرزندی ادامه تحصیل ندهد و یا شاغل بشود، مبلغ این حکم از حکم کارگزینی والد وی

زنان شاد، جامعه شاد

فاطمه حاجی زاده



خانواده
کوچک‌ترین
واحد اجتماعی
و درعین حال
بزرگ‌ترین واحد

تربیتی و انسان‌ساز است؛ اولین محل آموزش رفتارهای فردی و اجتماعی نیز می‌باشد و می‌توان گفت رکن اصلی این واحد اجتماعی را زنان تشکیل می‌دهند.

زن در خانواده نقش مهم و کلیدی در شاد نگه داشتن دیگر اعضای خانواده دارد؛ علم جامعه‌شناسی معتقد است جامعه‌ای که به افزایش نشاط درونی زنان توجه نکند، در آینده‌ای نه‌چندان دور قطعاً با شکست روبه‌رو خواهد شد. اگر فضای جامعه به‌گونه‌ای نباشد که زنان احساس خودباوری و نشاط کنند، جامعه به موفقیت دست نمی‌یابد؛ آینده نظام خانواده و اجتماع به وضعیت نامطلوبی دچار می‌شود؛ و همین‌طور لازم است نگاه زنان نسبت به مردان و نگاه مردان نسبت به زنان تغییر کند؛ چراکه در صورت افسردگی زنان، فرزند پروری نیز در حوزه خانواده با خطراتی مواجه خواهد شد. گفتنی است که زن، محور تربیت در حوزه خانواده است. از این رو مثبت بودن روحیه این قشر بسیار حائز اهمیت است. برخی از تفکرات، شادی زنان را قبول نمی‌کنند؛ چراکه سال‌ها فرهنگ مردسالاری در جامعه ایران حاکم بوده است! اما خوشبختانه این روند تغییر کرده و با آگاهی زنان در حال اصلاح است. عواملی مانند رفتن به پارک، حضور در نهادهای خیریه و انجمن‌های دوستی، حضور در استادیوم‌ها موجب دستیابی زنان به شادی می‌شود. این کانون‌ها در جامعه وجود دارند؛ اما در حال حاضر باید میزان مشارکت زنان به‌ویژه زنان خانه‌دار در این کانون‌ها افزایش یابد. اما بگذارید از عبارات کلیشه‌ای برایتان بگویم،

مثل دختر از خانه بیرون نمی‌رود، دختر با صدای بلند نمی‌خندد، زنان ضعیف‌اند، زن جنس حساس است و ده‌ها عبارت مشابه دیگر که به گوش دختران و زنان مان بسیار آشناست... شنیدن این‌گونه جملات هر بار ممکن است بخشی از روحیه خودباوری زنان را مورد هدف قرار دهد.

گاهی اوقات فرهنگ غلط موجب ایجاد برخی مشکلات در دختران می‌شود و اعتماد به نفس آن‌ها را مورد هدف قرار می‌دهد. غالباً خانواده‌ها بیشتر به فکر عقاید قدیمی خود هستند تا شادی دخترانشان... و اینجاست که اجازه می‌دهند دخترانشان احساس ناکافی بودن کنند... اعتماد به نفس در زنان برای نشاط در زندگی اجتماعی بسیار تأثیرگذار است؛ بنا بر گزارش انجمن زنان دانشگاهی آمریکا میزان اعتماد به نفس در میان دختران در دوران راهنمایی و دبیرستان سه و نیم برابر کمتر از پسران است.

و اکنون می‌رسیم به لازمه ایجاد شادی: مهم‌ترین عامل شادی در قشر زنان، ایجاد خودباوری است. همسر و مادری که خودش را باور داشته باشد، به خویشتن عشق بورزد، می‌تواند محیط خانواده را هم سرزنده کند و به تبع آن در فرزند پروری هم موفق باشد.

راهکارهایی برای ایجاد شادی و نشاط:

۱. تعامل با افراد منفی را به صفر برسانیم. ۲. زمان حضور در رسانه‌ها را محدود کنیم. ۳. به نیازهای خود اهمیت دهیم. ۴. مستقل باشیم. ۵. کتاب بخوانیم و مطالعه کنیم. ۶. به مسائل حاشیه‌ای توجه نکنیم

و در آخر بهتر است زنان به‌جای تمرکز بر روی نکات منفی، زمان خود را صرف راهکارهای مثبت برای ایجاد شادی و نشاط در زندگی خود نمایند.

من دلم را دار خواهم زد... عالیہ شیخی



در گوشه کنار دفتری غبار گرفته، از لابه لای کلمات، من خواهان سخن اوراق کتابم. کتابی که تنها یک ورقش، خبر از حال دل بی قرار می دهد، دل ها آشفته و قلب ها بی تاب است و من همچنان استرس آن لحظه را دارم، چه بگویم از نکته هایی که خجل زده از گفتنش می شوم و چه بگویم از گفتنی که زندگی زیبای مرا ساخته است.

و آن شب من باخدایم باز از همان موضوع همیشگی سخن گفتیم؛ بارالها من به تو ایمان دارم و میدانم تو شنونده بینایی، اما عقول حیران می شود در اینکه آیا شهدا هم شنونده بینايند؟! چگونه می شود باور به درک آنها؟! چگونه می شود قبول کردن آنها؟! چگونه می شود باور کنم؟! چگونه باور کنم؟! چگونه باور کنم؟!

آری من همان دختر پشت کنکوری ۲۰ ساله ام که همچنان انکار می کند شهدا زنده اند... همان شب در انتظار نتایج گذراندم و برای رفع استرس به نماز شب ایستادم. باز هم همان عبارات در ذهنم نقش بست، شهدا را می توان در قنوت دعا کرد؟! می شود از آنها حاجت خواست؟! مگر صدایمان را می شنوند؟! اصلاً مگر می توانند کاری کنند!

در تنگاتنگ لحظاتی سخت با اعتقادی سست در جهت سؤالاتم، نمازم را با سلامی به پایان رساندم. به راستی مگر می شود انسان شهیدی را به رفاقت برگزیند؟! ما در رفاقت های زمینی خود حیرانیم، چه حال از فردی که دستش از دنیا کوتاه است، حاجت خواهیم؟! از دنیا کوتاه است، حاجت خواهیم؟!

رفته رفته پلک هایم سنگین شد. نتایج آمده و مردی خندان به سمتم آمد. سرگشته از اینکه او کیست و چه می گوید... سرشار از ترس برای دیدن نتیجه، با صدایش به خود آمدم: مبارک است... می دانم سختی های زیادی در این راستا کشیدی و سال ها برایت آرزو بود اما تو، به خواسته ات رسیدی. من باز هم باور نمی کردم؛ به کاغذی که در دستم بود گوشه چشمی انداختم؛ به جای نام پدر نام دیگری درج شده بود (شهید میرزایی)؛ و در پایین صفحه در کادری قرمز نوشته شده بود: به شما سهمیه شهدا تعلق گرفته است.

او رفت و به دنبالش دوان دوان می رفتم و صدایش می زدم که لطفاً بمان! با چشمانی پر از اشک و قلبی ترک خورده به سراغ گوشی موبایلم، به قصد جستجوی اطلاعات از شهید میرزایی راهی شدم.

در انتهای صفحه کادر کوچکی دیدم، با ناامیدی آخرین فیلد را باز کردم، تنها یک عکس، یک نشانی و یک سخن بود.

شهید مهدی میرزایی صفی آبادی، فرمانده و سرلشکر امام موسی کاظم (ع) محل دفن شهید (۲۰ کیلومتری نیشابور)

«شهید مهدی میرزایی»
بر اساس روایتی واقعی

جیمزوب، نسل جدید تلسکوپ‌های فضایی

تلسکوپ جیمزوب در پی بازنشستگی هابل  کوثر کربلایی زاده

تلسکوپ هابل از بزرگ‌ترین و پرکاربردترین تلسکوپ‌های فضایی است که در طول فعالیت خود از اسرار بزرگ کیهان پرده برداشته است. پیش از پرتاب تلسکوپ هابل به فضا، اطلاعات دقیقی از عمر کیهان در دست نبود و محققین عمر تقریبی کیهان را ۱۰ یا ۲۰ میلیارد سال تخمین می‌زدند؛ اما داده‌های حاصل از فعالیت هابل، محققین را قادر به کشف عمر دقیق کیهان (۱۳.۸ میلیارد سال) ساخت.

ساختار تلسکوپ هابل مطالعه‌ی امواج کیهانی در ناحیه‌ی فرابنفش و مرئی را ممکن ساخت؛ ولی از مطالعه‌ی دقیق امواج فرسرخ عاجز بود و از آنجایی که امواج فرسرخ پل ارتباطی ما با گذشته‌ی کیهان می‌باشد، مطالعه‌ی دقیق سرگذشت کیهان و آنچه در big bang و پس از آن رخ داده است به‌وسیله‌ی تلسکوپ هابل مهیا نبود.

اکنون ناسا با مشارکت آژانس فضایی اروپا و آژانس فضایی کانادا، تلسکوپ جدیدی را ساخته است که اطلاعات دقیق‌تری از سرگذشت ستارگان و کهکشان‌ها را در اختیار ما قرار خواهد داد. تلسکوپ جیمزوب که در ۲۵ دسامبر ۲۰۲۱ توسط موشک آریان ۵ به فضا پرتاب شد، بسیار بزرگ‌تر و پیشرفته‌تر از هابل می‌باشد.

آینه‌ی جیمزوب از ۱۸ قسمت شش‌ضلعی ساخته‌شده که قطر آن ۶.۵ متر بوده که در مقایسه با آینه‌ی ۲.۴ متری هابل بسیار بزرگ‌تر است. آینه‌ی این تلسکوپ از فلز بریلیم ساخته‌شده که روکشی از جنس طلا سطح آن را پوشانده است.

تفاوت اصلی هابل و جیمزوب؛ که این تلسکوپ را قادر به پردازش دقیق اطلاعات حاصل از امواج فرسرخ ساخته است؛ ترکیب سپر حرارتی و رادیاتور سردکننده است که دمای سطح آینه‌های آن را زیر -۲۲۰ نگه می‌دارد که لازمه‌ی مطالعه‌ی امواج فرسرخ می‌باشد، این در حالی است که حداقل دمای آینه‌های هابل ۱۵ درجه‌ی سانتی‌گراد است. درواقع می‌توان گفت که تلسکوپ جیمزوب ظرفیت بیشتری در اخترشناسی فرسرخ دارد که این امر دریچه رو به گذشته‌ی کیهان را پیش چشم ما باز می‌کند و ما را یک‌قدم به big bang نزدیک‌تر می‌کند.

”اکنون این تلسکوپ در فاصله‌ی

۱،۵۰۰،۰۰۰ کیلومتری کروی زمین در

مدار لاگرانژی L۲ مستقرشده است و حدوداً

پس از ۶ ماه بعد از استقرار، اطلاعات حاصل از

پردازش امواج را در اختیار محققین قرار خواهد داد.“



نور سبز زهرا مسلمی وایقان

با قرار دادن نانو ذرات مخصوص در برگ نوعی گیاه، مهندسان آب شیرین، گیاهی تولید کرده‌اند که نور ضعیفی ایجاد می‌کند و نزدیک چهار ساعت می‌درخشد!



بفرستند و همچنین گیاهانی که می‌توانند شرایط خشک‌سالی را کنترل کنند. محققان برای ایجاد گیاهان درخشان از آنزیم لوسیفراز (Luciferase) استفاده کردند، لوسیفراز از آنزیمی است که باعث درخشش کرم شب‌تاب می‌شود. در اثر فعالیت لوسیفراز در مولکولی به نام لوسیفیرین (Luciferin) نور منتشر می‌شود. مولکول دیگری که Co-enzyme A نامیده می‌شود، با حذف یک محصول جانبی واکنش که می‌تواند فعالیت لوسیفراز را مهار کند، به این فرایند کمک می‌کند. محققان هر یک از این سه جزء را در یک نوع دیگر از نانو ذرات حامل بسته‌بندی کردند. نانو ذرات مورد استفاده از موادی ساخته شده‌اند که سازمان غذا و دارو ایالات متحده به عنوان سالم طبقه‌بندی کرده است، این ذرات کمک می‌کنند تا مواد به مقصد خود در بخش‌های مختلف گیاه برسند. آن‌ها همچنین از افزایش بی‌رویه غلظت مواد جلوگیری می‌کنند تا برای گیاهان سمی نباشند. ذرات آزاد شده لوسیفیرین و کوآنزیم A به منظور تجمع در فضای خارج سلول مزوفیل، یک (لایه داخلی برگ)، طراحی شده‌اند، در حالی که ذرات کوچک‌تر که لوسیفراز را حمل می‌کنند، وارد سلول‌هایی می‌شوند که مزوفیل ۲ را تشکیل می‌دهند. ذرات PLGA به تدریج لوسیفیرین را آزاد می‌کنند، که پس از آن وارد سلول‌های گیاهی می‌شود، در حالیکه لوسیفراز واکنش شیمیایی را که باعث درخشش لوسیفیرین می‌شود را انجام می‌دهد.



به گزارش علمی‌ها و به نقل از لابراتواری اکوئیمنت، تصور کنید هنگامی که هوا تاریک می‌شود به جای روشن کردن لامپ بتوانید با نور یک گیاه درخشان روی میز به مطالعه پردازید، مهندسان (ام آی تی) اولین گام مهم به سوی ساخت این روبا برداشته‌اند. آن‌ها معتقدند که با بهینه‌سازی بیشتر چنین گیاهانی، روزی آن‌ها به اندازه‌ای روشنایی ایجاد خواهند کرد تا روشنایی محیط کاری را تأمین نمایند. به عقیده «مایکل استرانو»، استاد مهندسی شیمی دانشگاه و نویسنده مقاله، (ام آی تی) چشم‌انداز این است که گیاهی بسازیم که به عنوان یک چراغ میز کار عمل کند، چراغی که شما مجبور به روشن کردن آن نیستید، نور به وسیله انرژی متابولیسم این گیاه به وجود می‌آید. محققان می‌گویند این فناوری همچنین می‌تواند برای ایجاد روشنایی داخلی کم نور و یا تبدیل درختان به چراغ‌های روشنایی استفاده شود.

گیاهان نانو بیونیک آزمایشگاه استرانو در مؤسسه تحقیقات ماساچوست با هدف استفاده از انواع نانو ذرات گیاهان پیش‌گام مطالعه بر روی گیاهان نانو بیونیک است. هدف گروه این است که گیاهانی تولید کنند که جایگزین فعالیت‌هایی شوند که در حال حاضر توسط دستگاه‌های الکتریکی انجام می‌شوند. محققان تاکنون گیاهانی طراحی کرده‌اند که می‌تواند مواد منفجره را تشخیص داده و اطلاعات آن را به یک گوشی هوشمند

“اوایل پروژه، محققان گیاهانی ساخته بودند که می‌توانستند ۴۵ دقیقه بدرخشند، اما اکنون به ۳.۵ ساعت افزایش یافته است. نور تولید شده توسط یک دهم سانتیمتر از جوانه گیاه شاهی آبی در حال حاضر حدود یک هزارم مقدار مورد نیاز برای خواندن است، اما محققان معتقدند که می‌توان نور منتشر شده و همچنین مدت زمان نوردهی را با بهینه‌سازی بیشتر غلظت و مقدار ترکیبات نانو افزایش داد.”

دوست دارم باسواد پولدار باشم اما...

حمید بهرام قناد

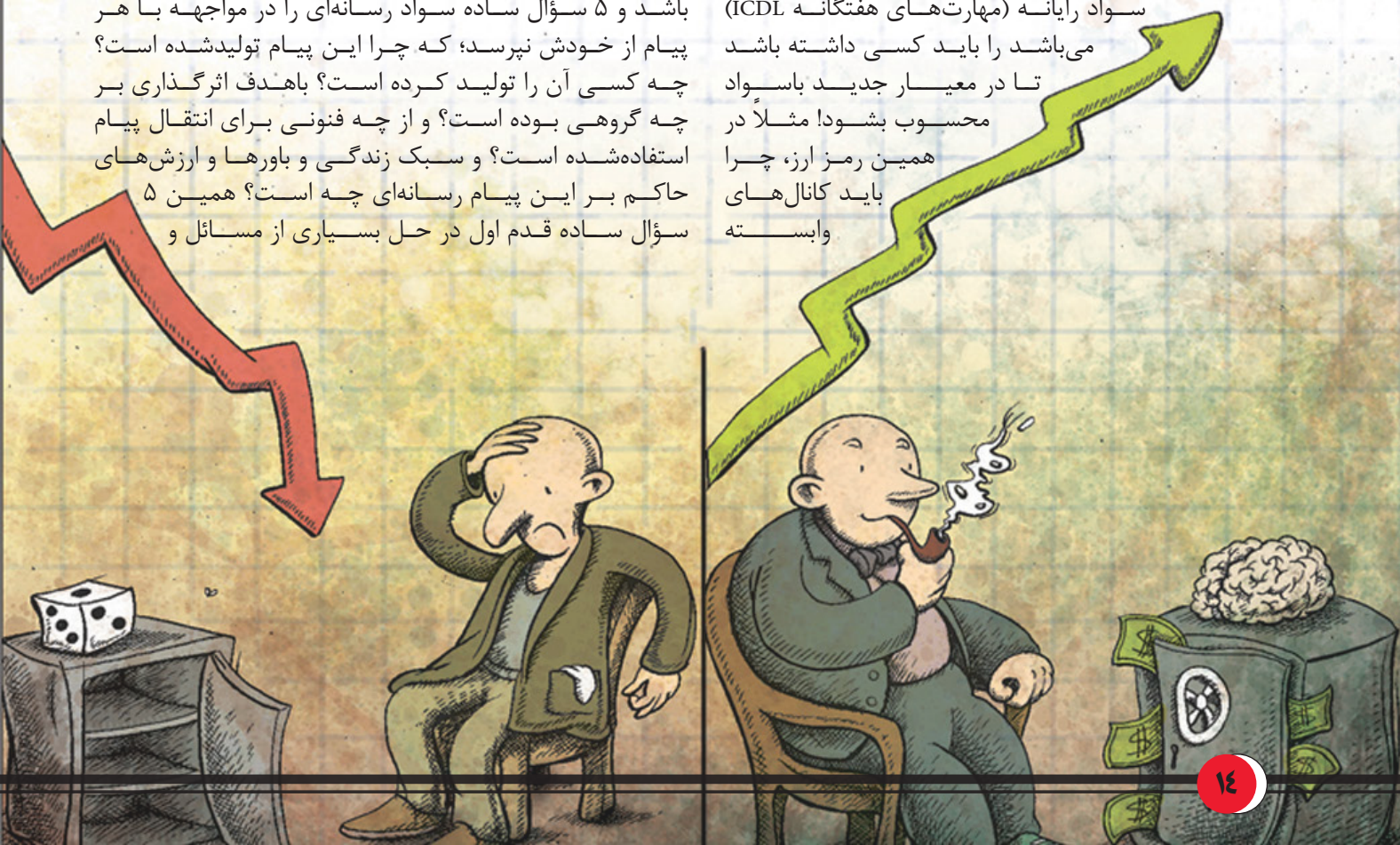
به جریانات سیاسی مبلغ رمز ارزها باشند و از طمع ما برای یک‌شبه طی کردن ره صدساله استفاده کنند و دوباره ما را دچار مشکل کنند؟ رسانه‌های معروف ضدانقلابی مثل ایران اینترنشنال که دیگر کاملاً واضح از عربستان هدایت می‌شود و ضد ایرانی بودنش در پیام‌ها و تیترها موج می‌زند، چرا باید مبلغ ورود ایرانی‌ها به حوزه سرمایه‌گذاری در رمز ارزها باشد؟ دلشان برای ما می‌سوزد یا؟! یا حتی در مرغ و گوشت و برنج و گوجه و پیاز و... چند بار با شایعات مختلف، کمبودهای مقطعی و گرانی ایجاد شده است؟ چون خیل عظیمی از مردم به هوای همین رسانه‌ها ریختند در بازار. آیا واقعاً آن کالا با کمبود مواجه شده بود؛ یا دلال‌ها حساسی سود بردند؟! اگر یک مقدار دید کلی و شناخت عمومی از فضای سیاسی و رسانه‌ای داشته باشیم، خیلی جاها نجات پیدا خواهیم کرد و اسیر هیجانات وارده از طرف گروه‌های سیاسی برای رسیدن به اهدافشان نخواهیم شد. لازمه این کار؛ رعایت اصول تحلیل درست سیاسی و کمی هم اصول سواد رسانه‌ای است. این مسئله به قدری مهم است که ائمه معصوم ما را با شکست مواجه کرده است چه برسند به حکومت انقلابی غیر معصوم ایران، آن‌هم با پیشوند جمهوری که در همین رأی‌دهی‌ها هم ممکن است اشتباه کنیم!

برای عموم مردم به‌طور عام و یک دانشجو به‌طور خاص خوب نیست که رژیم مصرف رسانه‌ای درست نداشته باشد و ۵ سؤال ساده سواد رسانه‌ای را در مواجهه با هر پیام از خودش نپرسد؛ که چرا این پیام تولید شده است؟ چه کسی آن را تولید کرده است؟ باهدف اثرگذاری بر چه گروهی بوده است؟ و از چه فنونی برای انتقال پیام استفاده شده است؟ و سبک زندگی و باورها و ارزش‌های حاکم بر این پیام رسانه‌ای چه است؟ همین ۵ سؤال ساده قدم اول در حل بسیاری از مسائل و

خیلی از تحصیل کرده‌هایمان در همین سال‌های اخیر به امید پولدار شدن، وارد بورس شدند و یک عده خیلی کمی بردند و یک عده زیادی نه تنها باختند؛ بلکه حتی سلامتی برخی با دیدن باخت در بورس دچار مشکل شد. خیلی از مردم هم بر سر دلار و سکه و زمین و خودرو، به این روز افتادند! به نظر می‌رسد یکی از حلقه‌های گمشده‌ای که خیلی کم به آن توجه داریم، شناخت کم از فضای سیاسی و به تبع آن فضای رسانه‌ای باشد. هر چند شاید بفرمایید: خوب نویسنده محترم، ما را چه به سیاست؟ و بنده هم عرض می‌کنم سیاست چه خواهیم چه نخواهیم با ما کار دارد!

دقت کرده‌اید چقدر از ما به دلیل عدم شناخت کافی از فضای سیاسی کشور، بازیچه شده‌ایم؟ مخصوصاً دانشجوی جماعت! همین مثال بالا نمونه بارزش است که اگر کمی به فضای سیاسی کشور وارد بودیم و کمی هم سواد رسانه‌ای داشتیم که چه رسانه‌هایی داشتند جو می‌دادند و ما را به چه سمتی هدایت می‌کردند، شاید اسیر مشکلاتی نمی‌شدیم که سال‌ها زندگی شخصی ما را با مخاطره مواجه کند! البته این بازی ادامه دارد و همچنان قربانی می‌گیرد. حالا با شکل‌های جدید؛ مثلاً رمز ارز و ...!

بی‌خود نیست تعریف یونسکو از باسوادی امروز فقط خواندن و نوشتن نیست، بلکه ۶ سواد را که شامل سوادهای عاطفی، ارتباطی، مالی، رسانه‌ای، سواد آموزش و پرورش و سواد رایانه (مهارت‌های هفتگانه ICDL) می‌باشد را باید کسی داشته باشد تا در معیار جدید باسواد محسوب بشود! مثلاً در همین رمز ارز، چرا باید کانال‌های وابسته



هستند، به‌عنوان سربازان خدا خدمت می‌کنند؛ بنابراین، انسان برای آن‌ها معنای کاملاً متفاوتی نسبت به معنایی که برای ما دارد، داراست.» اصول‌گرا نه به معنای حزب سیاسی، بلکه به معنای کسانی که اصول اسلام را به‌درستی درک و اجرا کرده‌اند. همین اصلی‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی است که با وجود همه خیانت‌ها و اختلاس‌ها و مسائل مختلف، عملاً ما شاهد این هستیم که باگذشت ۴۳ سال از انقلاب اسلامی و باوجود این همه فراهم بودن فضای گناه در جوامع مختلف دنیا، در ایران، افرادی تربیت شده‌اند که دنیای در حال حرکت به سمت پوچ‌گرایی را متوجه معنویت خود می‌کنند؛ مانند سردار سلیمانی یا شهید فخری زاده یا شهید حججی و یا بسیاری از ورزشکاران و دانشمندان باخدای ما و این علاوه بر پیشرفت مادی از لحاظ رتبه‌های جهانی در مقایسه با کشورهای مختلف است؛ چراکه ایران توانسته است خودش را در اکثر زمینه‌ها به میان ۲۰ کشور قدرتمند دنیا وارد کند و حتی شاخصه عدالت را به نسبت قبل از انقلاب به استناد گزارش‌های بین‌المللی در شاخص درآمد بهبود ببخشد.

قدم دوم برای درک پیچیدگی‌های زمانه، مراجعه به تاریخ است که بسیاری از مشکلات ما و تصویرهای غلط و در نتیجه عمل‌های غلط ما و ناامیدی و یا نفرت و انتخاب سبک زندگی‌های غلط ما از ندانستن تاریخ است. تاریخ را باید خودمان یا از طریق سند و مدرک مطالعه کنیم. از تاریخ اینستاگرامی سطحی و وابسته به گروه‌های سیاسی همین آشی می‌شود که شوری آن دل همه ما را زده است. تاریخ گذشتگان عبرت آیندگان است. وقتی جوان امروز بداند کدام شخصیت سیاسی در برهه زمانی گذشته چه عملکردی داشته است، به این راحتی‌ها دل بسته و بازیچه نمی‌شود. برای مثال اخیراً به قدری حجم تبلیغات زیاد شده است که حتی برخی فکر می‌کنند پدرانشان بی‌خود انقلاب کرده‌اند؛ در حالی که ساده‌ترین مراجعه‌ها به تاریخ مسائل زیادی را روشن خواهد کرد. این دو اصل ذکر شده در بالا لازمه ورود به شناخت در مسیر درست است. امید است که همه ما امروزه هم بتوانیم با شاخص‌های جدیدی که در بالا برای باسوادی از یونسکو برشمردم، باسواد واقعی باشیم و هم بتوانیم با درک سیاسی و رسانه‌ای درست، قطره‌ای از موج دریا شویم برای ظهور مولایمان تا عدالت واقعی را برایمان معنا کند و هر چیزی در سر جای خودش قرار گیرد. همین قطره‌ها، اعمال من و شماست که موج می‌سازد و به ساحل می‌رساند. کما اینکه نخبگان گذشته ایران از بهشتی و چمران و باکری تا مطهری و یاغچیان و باقری کار خود را کردند و خورشید زمانه خود شدند و اینک نوبت ماست تا صفایی به خود و ایرانمان دهیم.

فهمیدن پشت پرده پیام‌های تولیدی است. در تحلیل سیاسی هم اولین و مهم‌ترین اصل سیاسی این است که ما چه در شناخت کلی فضای سیاسی کشور و چه در رأی‌دهی‌ها، مبنای تحلیل‌مان چه باید باشد؟ سکولار یا توحیدی؟ کسی که با دید مادی تحلیل کند، قطعاً به ایدئولوژی‌های مختلف پی نخواهد برد. برای همین است که مثلاً طرف با ظاهری اسلامی، ایدئولوژی نئولیبرال را برای ما اجرا می‌کند و چشم باز می‌کنیم می‌بینیم نه تنها همه چیز به هم ریخته است؛ بلکه حتی عدالتی که دنبالش بودیم هم نیست! و کلی افسردگی و حرص و جوش که چرا مثلاً فلانی فلان مقدار حقوق را دریافت می‌کند و حقوق من باینکه قانون کاری... یا فلان امتیاز را دارد، مقدار حقوق دریافتی من کم است؟! تصور کنید اگر اکثر مردم افراد درستی را انتخاب کنند و نظارت اجتماعی‌شان بر مسئولان به گونه‌ای باشد که هیچ‌وقت نتوانند از پاسخگویی فرار کنند؛ ادامه‌دار شدن این روند، چندساله تأثیر اقتصادی خودش را در کشور نشان می‌دهد و ما دیگر امید جوانانمان با یک تورم افسارگسیخته، ناامید نمی‌شود و انواع مسائل مختلف از به تأخیر افتادن از دواچ‌ها تا موقعیت اجتماعی مناسب و ... حل می‌شوند.

برای یک تحلیل درست قدم اول، روشن شدن تکلیف‌مان با خدا است که بالاخره ما خدا را قبول داریم یا خیر؟ خدا در این جهان اثرگذار است یا خیر؟ آیا آخرتی وجود دارد یا خیر؟ شاید بگویید خب ربطش چیست؟ ربطش این است که مثلاً در یک سیاست کمونیستی، اقتصاد بدون باور به خدا و با نسخه‌های بشری ناقص که نتیجه‌اش می‌شود دیکتاتوری پرولتاریا، خواهد بود. وقتی ما آخرتی را قبول نداشته باشیم، به اسم آزادی ما را اسیر انسان‌محوری خواهند کرد؛ به طوری که امروزه در بیش از ۳۰ کشور دنیا کار به جایی می‌کشد که حتی هم‌جنس‌گرایی قانون می‌شود و معترضین این امر زندانی! و یا تجارت اسلحه و مواد مخدر و فحشا می‌شوند ۳ تجارت پرسود دنیا! حال اینکه اگر آخرتی را قبول داشته باشیم و انسان خودش را در محضر آفریدگارش پاسخگو بداند، چقدر از مسائل فرهنگی و قانون‌گذاری‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی و سیاسی عملاً حل شده محسوب خواهند شد؟ بنابراین اولین قدم یک تحلیل توحیدی، آشنایی با مبانی توحید است؛ یعنی همان اصول اساسی زندگی و شناخت بی‌خود نیست که «دمارانش» رئیس سرویس اطلاعاتی فرانسه که دو بار سعی کرد امام خمینی (ره) را ترور کند و موفق نشد، در جلسه‌ای در روزهای پایانی سال ۱۳۵۹ در دیدار محرمانه ۳ ساعته با رئیس‌جمهور وقت آمریکا «رونالد ریگان» اظهار می‌کند: «آن‌ها آن‌طور که ما می‌بینیم، نمی‌بینند. سیستم داخلی‌شان و فکرشان مانند ما نیست. دشمنان جدید ما که مسلمانان اصول‌گرا

طرح بوم لایلا مصطفایی

طرح بوم، گامی برای داشتن مدرسه‌ی مهارت محور

رشد اقتصادی و حرفه‌ای و معیشتی دانش آموزان مؤثر باشد، امکان ورود به برنامه ویژه مدرسه را دارد. این طرح به خاطر پاسخگویی به نیاز اجتماعی، قابل ستایش است. مدرسه‌ای را تصور کنید که در منطقه‌ای ضعیف از نظر اقتصادی قرار دارد. مدرسه‌ای که در شهر یا روستایی فاقد رونق اقتصادی قرار گرفته و به همین دلیل دارای دانش آموزانی با سطح مالی پایین است.

این دانش آموزان نیاز دارند تا تحت آموزش‌های ویژه‌ای قرار بگیرند تا بتوانند در آینده تحولی در سطح اقتصادی محله خود ایجاد کنند. لازم به ذکر است که برنامه بوم بهتر است از حالت اختیاری بودن خارج شود و سازمان پژوهش باید برنامه بوم را جزء برنامه مدارس قرار بدهد. مشکل اینجاست که حجم کتاب‌های درسی تغییری نکرده و گاهی اوقات برای معلم فرصتی ایجاد نمی‌شود تا برنامه‌ریزی داشته باشد. برنامه بوم برای برخی مدیران نامفهوم است که البته امروزه تمام تلاش سازمان برنامه‌ریزی این است که اهداف و نحوه اجرا و ارزشیابی کاملاً روشن شود. هم‌اکنون در زمان کرونا اجرای طرح بوم با محدودیت‌هایی رو به رو شده است که باعث می‌شود برخی فعالیت‌ها ناتمام مانده یا قابلیت اجرایی بودن خود را از دست بدهند. کلام آخر این‌که تلاش همه ارکان مدرسه این است که این طرح را با استفاده از همه امکاناتی که در دست دارند اجرا کنند؛ و امید است اجرای این طرح، موجب رضایت اولیا و دانش آموزان و حمایت از این طرح شود.

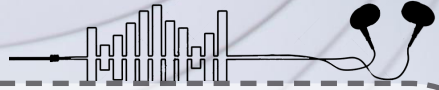
طرح بوم در مدارس، طرحی است که به منظور تکمیل محتوای آموزشی رسمی به وجود آمده است. واژه بوم به معنای نوعی برنامه ویژه است که در آن مدیریت و اعضای شورای مدرسه بخشی از زمان تعیین شده برای آموزش رسمی را؛ به آموزش جدا از آموزش رسمی اختصاص دهند؛ اما نه به این معنا که مدارس حرکتی جدا از برنامه از قبل تعیین شده آموزش پرورش داشته باشند. ایجاد این طرح، در راستای راهکار ۵-۵ سند تحول بنیادین و بند ۱۳-۲ برنامه درسی ملی که بر اساس رویکرد فرهنگی تربیتی است، بر آموزش‌های مهارت محور و فعالیت‌های پرورشی تأکید شده است.

در
حالت کلی اجرای
این طرح باعث ایجاد
محیطی برای ارتقای سطح
علمی، پاسخ‌دهی به نیازهای
منطقه‌ای و محلی و توسعه
مدرسه به عنوان جایی برای
توسعه محل و محیط
زندگی می‌شود.

مدارس تنها مجاز هستند تا ساعات مشخصی را به اجرای برنامه‌ی ویژه مدرسه در نظر بگیرند و در هفته دو ساعت را به این برنامه‌ها اختصاص دهند. از آنجایی که ۳۰ هفته آموزشی وجود دارد؛ به‌طور کل، سالانه ۶۰ ساعت به طرح بوم اختصاص داده شده است. در این طرح اجازه انتخاب عنوان، ارائه محتوا، ارزشیابی و حتی صدور کارنامه داده می‌شود. موضوع انتخاب شده باید تحت ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت باشد.

برنامه ویژه مدرسه (بوم) در سه زمینه اصلی - میدانی: موضوعات آموزشی، مهارت آموزشی و فعالیت‌های میدانی سازمان‌دهی می‌شود. به‌طور کلی هر برنامه‌ای که در رشد دانش آموزان در ساحت‌های شش‌گانه رشد و تربیت یعنی رشد اعتقادی و دینی و اخلاقی، رشد علمی و فناورانه، رشد سیاسی و اجتماعی، رشد هنری و زیبایی‌شناسانه، رشد زیستی و بدن و





راوی (رادیو) فاطمه مؤید (وراه)

راوی: مجتبی شکوری موضوع: توسعه فردی و روان‌شناسی



برای شنیدن نسخه
صوتی رادیو راه
بارکد را لمس یا
اسکن کنید.

دنیا جای بدیهه؟ بله؛ اما مجتبی شکوری فکر میکنه ارزش جنگیدن داره. حرف‌هایی از دل کتاب‌ها که برای زندگی پس از مرگ نیستن، بلکه حقیقت واقعی درمورد زندگی قبل از مرگه. درباره این که چه‌طور به سی یا شاید پنجاه سالگی برسید بدون این که بخواین تنگ روی شقیقه‌تون بگذارین. مجتبی شکوری، چهره شناخته شده برنامه کتاب‌باز در هر قسمت از این پادکست موضوعی رو برای شناخت بهتر خودمون و جهان بررسی می‌کنه. رادیو راه برای همه اون‌هایی مناسبه که می‌خوان با چشم‌های بسته، یاد بگیرند. این پادکست در درجه اول مخاطب رو به فکر کردن دعوت می‌کنه و در مرحله‌ی بعدی رسالت خودش را با تشویق به مطالعه ادامه می‌ده.

کتابخانه فاطمه ایمانی (کتاب روابط معلم و دانش آموز)

کتابی برای معلمان عاشق دغدغه‌مند

روابط معلم و دانش‌آموز اثری از هایم جی گینات، معلم و روان‌شناس کودک است. هایم ابتدا ماجراهای کوتاهی از یک کلاس درس را تعریف کرده، سپس مسئله‌ای را که مختل جو کلاس و رابطه معلم و دانش‌آموز هست را مطرح می‌کند، در وهله بعد ناتوانی معلم در مواجهه با مشکل ایجاد شده را بیان نموده و سپس شیوه‌های صحیح برخورد معلم در این‌گونه مواقع را برمی‌شمارد. وی بیشتر بر روی قدرت کلمات تأکید دارد در قسمتی که شیوه صحیح برخورد با مسائل را بازگو می‌کند، بیشتر با کلمات بازی می‌کند به عبارت دیگر کلمات و جملاتی را که بار منفی دارند و موجب طرد دانش‌آموز می‌شوند را حذف کرده و جملات مثبت و تشویقی را جایگزین می‌کند. وی معتقد است مرکز ثقل کلاس، معلم است. معلم است که باعث جذب یا طرد دانش‌آموز می‌شود، او این مسئله را در قالب چند ماجرا با محتوای انصراف دانش‌آموزان از مدرسه بیان می‌کند. نکته قابل توجه این است که هایم سعی دارد تمام رده‌های سنی را در نظر بگیرد؛ از نحوه ارتباط با دانش‌آموز هفت‌ساله گرفته تا دانش‌آموز شانزده ساله، زیرا هر رده سنی مسائل و مشکلات مختص به خود را دارد و هایم سعی کرده با شیوه روانکاوانه به این مسائل پاسخ دهد. از ممنوعات هایم:

نسبت دادن القاب زننده به دانش‌آموز ممنوع، بگو مگوهای بی فایده ممنوع، حرف‌های نیش‌دار ممنوع، تجاوز به حریم شخصی دانش‌آموز ممنوع، طعنه، ریشخند و تمسخر ممنوع
برشی از کتاب:
بچه‌ننه نشو!

معلم ورزش مدرسه و دسته‌ای از دانش‌آموزان فوتبال بازی می‌کردند، دانش‌آموز نه‌ساله، ناگهان زد زیر گریه. معلم پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ دانش‌آموز آهسته گفت: شما اصلاً به من پاس نمی‌دهید معلم با ناراحتی نگاهش کرد و گفت: اینجا که فقط تو نیستی. به هر کس منصفانه فرصتی داده می‌شود. یاد بگیر صبر کنی تا نوبت تو هم برسد، بچه‌ننه هم نشو. معلم این را گفت و توپ را به نفر دیگر پاس داد.

درس شفاهی معلم به دانش‌آموز درباره بازی منصفانه بیهوده بود. کودکی که گریان است نمی‌تواند مفهوم سخنرانی درباره دموکراسی را دریابد. وقتی دانش‌آموز احساس آزدگی و غم در دل دارد، بهترین کار این است که گله و شکایت او را به رسمیت بشناسیم و خواسته‌ی او را بیان کنیم. از این رو معلم می‌توانست به آن دانش‌آموز گریان بگوید: آهان، پس به همین خاطر گریه می‌کنی. از من می‌خواهی توپ را به تو پاس بدهم پس بگیر که آمد.

برای ورود به صفحه خرید کتاب
روابط معلم و دانش‌آموز
روی بارکد بالا لمس یا اسکن کنید



روابط
معلم و دانش‌آموز
کتابی برای پدران، مادران، آموزگاران

هایم گینات
سیاوش سرتیبی

علیرضا سهرابی

زخم دروغین!

گرگ و میش بود؛ و روز آهسته رخ نمایان می‌کرد؛ و من که از شب می‌آمدم، با زخم‌های نو با درد، با رنج، اما گذشته بودم؛ شاید هم... زخم‌هایم را پنهان می‌کردم و با آن‌ها دوست می‌شدم. دیری نشد که شب با یارانش جای او را گرفتند. بازهم یاران شب، خنجرهای آخته‌شان را بیرون کشیده، آماده من بودند. و در من نمی‌دانم، گاه ترس بود و گاه یقین او اما ترسم را می‌کشت و تنها خودش می‌ماند... روزها و شب‌ها از پی هم می‌گذشتند و این، من بودم... زخمی‌تر، قوی‌تر... و همچنان ادامه می‌دادم... به کجا؟ من بزرگ‌تر می‌شدم و دست‌هایم نیز من بزرگ‌تر می‌شدم و پاهایم نیز من بزرگ‌تر می‌شدم و زخم‌هایم نیز... من بزرگ‌تر می‌شدم. او نیز؟ آیا قلبم بزرگ‌تر می‌شد؟ او اما مهم بود؟ زخم‌ها، هم سپرم بودند و هم خنجر... از آستانه زخمم، زخم می‌زدم؛ و آری راهش را پیدا کرده بودم. دیگر خنجرها بر من اثر نداشت... و حالا مطمئن‌تر از همیشه دیگر شکی نداشتم که زخم‌هایم نشانه روز است. شک را کنار گذاشتم؛ اما این بار، آغاز سقوطم شد... من همه تاریک بودم، انگار شب... گوش‌هایم زخمی، چشم‌هایم زخمی، و قلبم... آری! شک خنجری بود برای زدودن زخم‌های کهنه؛ و من که دیگر دستم خالی بود... همه چیز را روشن کرده بود اما خورشید را تاریک. آری، شب این‌گونه پدید آمد؛ از زخم‌های من آن‌ها همه را در ظلمت خود می‌کشاند. همه را! و زخم‌ها، زخم می‌سازند؛ و بیماری شب مُسری ست و این من بودم که تنها مرهم همان خنجری بود که باید در خود فرو می‌کردم تا خونابه پایان یابد...!

برای شنیدن نسخه صوتی زخم دروغین بارکد را لمس یا اسکن کنید.





سقوطی از جنس آزادی در قفس **مرگ** زهر فرهنگی

گوی شیشه‌ای زندگی وقتی ترک برمی‌دارد که غباری از جنس بی‌رحمی بر روی آن بنشیند. هرچند می‌گویند: عصرهای جمعه دلگیر است، ولی دل من را پنجشنبه‌های تقویم پریشان می‌کند، به خاطر آن‌هایی که قله‌های آرزوی خود را از دور یافته بودند و چه دردهایی که در تسبیح شکیبایی چندین بار ختم کرده بودند؛ و لحظه‌ای که می‌خواستند آن را فتح کنند، گلوله‌های بی‌رحم مرگ برایشان چاله‌ای از جنس قبر و خوابی از جنس مرگ و سکوت پیشکش می‌کند. آن لحظه که پیوند میان ماه و ابر را زوزه‌گرگی می‌شکند که به خیال گرفتن ماه پنجه‌هایش رو به سوی آسمان می‌کشد؛ ولی این تنها یک خیال پوچ در تخیلات گرگ است، نه تنها نمی‌تواند ماه را برای خود کند بلکه بیشتر در گرداب این خیال غرق می‌شود. این قصه گویای داستان غم‌انگیز مرگ است، هرچقدر که فرار کنی بازهم در دام این صیاد بی‌رحم گرفتار می‌شوی؛ چون مرگ حقیقت زندگی است و نه تضاد آن. وقتی که سوز حرف‌های دلم تکه سنگی را آب می‌کند و قصه هجران مرگ قلمم را وادار به نوشتن می‌کند، و در آن هنگام است که قلمم زبان می‌گشاید و می‌نالد که طاقت این همه غم را ندارم.

شاید این قصه تلخ را با چاشنی به نام بهشت یا دیدار معشوق شیرین کرد یا این‌گونه پنداشت: که در میان همه‌ی زندگی مرگ یک جشن باشکوهی است میان ستارگان، گویا به ناشکری زمین خداوند انسان‌هایی را به کرانه آسمان می‌سپارد. می‌دانیم که مرگ حادثه‌ای است که اتفاق می‌افتد ولی نه مانند افتادن برگی از درخت بلکه مانند افتادن میوه‌ای رسیده که سزاوار روییدن دوباره از دل آن هسته کوچک درون قلب میوه است.

برای شنیدن نسخه صوتی سقوطی از جنس آزادی در قفس مرگ بارکد را لمس یا اسکن کنید.



کسورات دانشجویی،

۲۰ پیم زهرا توحیدفام ۴۵

آیا کسورات به ۴۵ درصد
باز خواهد گشت؟



است که (کاهش سهم واریزی دولت به صندوق ذخیره فرهنگیان و از سوی رشد ۷۰ درصدی درآمدهای اختصاصی دانشگاه فرهنگیان از محل کسر ۴۵ درصدی از حقوق و مزایای دانشجو معلمان برخلاف سال گذشته که به ۲۰ درصد کاهش یافته بود؛ از ایرادات لایحه بودجه ۱۴۰۱ است).

به زبان ساده و همه کس فهم و خلاصه کلام گهر بار دفتر آموزش و فرهنگ مجلس، همه کمبود و کسری بودجه این سرزمین پهناور همگی به خاطر کاهش کسورات دانشجویان دانشگاه فرهنگیان از ۴۵ درصد به ۲۰ درصد است و چنانچه دوباره به روند بالا کشیدن سابق ادامه یابد؛ همه مشکلات لاینحل کشور حل خواهد شد!

با اندکی تفکر به طرز اداره کشور متوجه خواهید شد که هیچ تفکر و عقلانیتی پشت هیچ کدام از تصمیمات نیست و همه حاصل خواب‌نما شدن عده‌ای بی‌خبر از دوران هستند. همه این‌ها نشان می‌دهد هرچقدر کوتاه آمدن‌ها و سر خم کردن‌ها بیشتر، به همان مقدار سواری گرفتن‌ها هم بیشتر! این میان نکته جالب و غم‌انگیز آنجاست که دانشگاه‌های دولتی و روزانه بابت هزینه آموزش حق دریافت مبلغی را ندارند و حتی در دوران کرونا نیز اکثر دانشگاه‌های غیردولتی، غیرانتفاعی و پیام نور و آزاد و دوره‌های شبانه دانشگاه‌های دولتی در شهریه آموزشی خود تخفیفانی را قائل شده‌اند (که البته محل اشکال و اعتراض فراوان است)، لیکن دانشگاه فرهنگیان که در مقطع کارشناسی فقط دارای پذیرش روزانه است و به‌نوعی دانشگاهی بورسیه نیز محسوب می‌شود، در اقدامی غیرمتعارف هزینه آموزش مجازی و هزینه نگهداری خوابگاه‌های خالی

طبق معمول سرمان گرم نوشتن مشق‌های بی‌محتوا و من‌درآوردی دانشگاه که اساتید اسمش را می‌گذارند (پروژه دانشگاهی) بودیم؛ که باز قربانی خواب دیدن‌های شب‌هنگام و شام سنگین برخی مسئولین شدیم. خبر بازگشایی دانشگاه شوک جدیدی بود که باعث شد مدتی از خبر خوش وزیر خوش‌ذوق و دست‌اندرکاران، مبنی بر بازگشت کسورات ۴۵ درصدی، دور شویم. ۴۵ عدد نحسی است که برای دانشجو معلمان به‌مثابه رابطه صلوات و جن است. دانشجو فلک‌زده تا می‌خواهد اندکی در این تورم غول‌آسا حرکتی بزند و زندگی درهم خود را سر و سامان دهد که باخبرهای خوش مسئولین جان‌برکف بار دیگر با هیجان‌انگیزترین حالت ممکن سورپرایز می‌شود. تازه چند ماهی بود که باوجود تلاش‌ها و دوندگی‌های فراوان جهت پرداخت واقعاً ظالمانه برای خوابگاه نرفته و غذای نخورده در این شرایط کرونایی و درحالی‌که دانشجو معلمان امیدوار به اصلاح این فرآیند در جلسه‌های آخر هیئت‌امنای دانشگاه بودند، که بنا بر اطلاعیه معاونت‌های دانشجویی و طرح و برنامه و توسعه منابع دانشگاه فرهنگیان، این کسر از حقوق بالاخره ۲۰ درصد جایگزین ۴۵ درصد شده بود. هرچند همین ۲۰ درصد کسر، خود کلی جای تأمل و تفکر دارد! حال با چالش جدیدی روبه‌رو هستیم؛ چالشی که به طرز عجیب طنز آوری، گزینه روی میز مجلس برای پر کردن کمبود بودجه کشور در نظر گرفته شده است؛ که به گفته دفتر مطالعات آموزش و فرهنگ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اخیراً در گزارشی به بررسی بودجه آموزش و پرورش در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ پرداخته و اعلام کرده

با ادامه این روند، نسل آینده پر خواهد شد از معلمانی که خسته از عدالت‌خواهی هستند، خسته از کوبیدن به درهای بسته هستند و هیچ جوابی نشنیدن... معلم که او را به شمع سوزانی تشبیه می‌کنند، در روز معلم شعر برای ستایش زحمت‌های بی‌پایانش می‌سرایند، دیگر قادر به آموختن درس آزادی و آزادگی نخواهد بود.. نجات کشور از این منجلا‌ب‌های گوناگون فقط به دست معلمی است که به آن وعده بهشت می‌دهید ولیکن دنیایش را به جهنمی تبدیل کردید که دودش به چشم همه خواهد رفت و کلام آخر اینکه معلم نباید به جای رویکردی کنشگرانه و مطالعه پژوهش، درگیر مسائل باشد که محدود (مطالبات معیشتی) است.

” با ادامه این روند، نسل آینده پر خواهد شد از معلمانی که خسته از عدالت‌خواهی هستند، خسته از کوبیدن به درهای بسته هستند و هیچ جوابی نشنیدن... معلم که او را به شمع سوزانی تشبیه می‌کنند، در روز معلم شعر برای ستایش زحمت‌های بی‌پایانش می‌سرایند، دیگر قادر به آموختن درس آزادی و آزادگی نخواهد بود.. نجات کشور از این منجلا‌ب‌های گوناگون فقط به دست معلمی است که به آن وعده بهشت می‌دهید ولیکن دنیایش را به جهنمی تبدیل کردید که دودش به چشم همه خواهد رفت و کلام آخر اینکه معلم نباید به جای رویکردی کنشگرانه و مطالعه پژوهش، درگیر مسائل باشد که محدود (مطالبات معیشتی) است.“

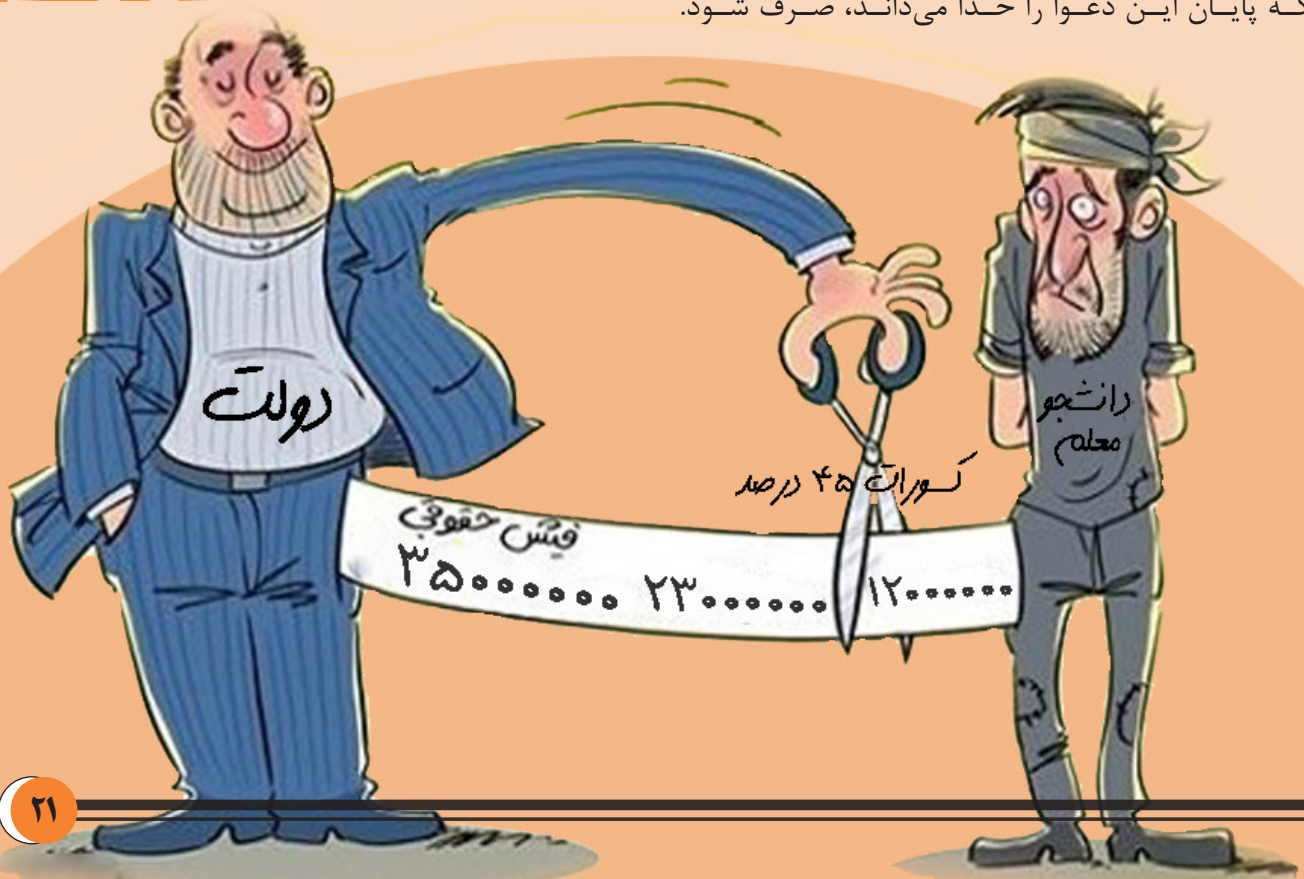
را از همه دانشجویان (حتی بخشی از دانشجویان که تحت شرایطی استثنائی از حضور در خوابگاه معاف هستند!) به میزان ماهیانه مبلغ فراوانی کسر می‌کند.

حالا اگر بخواهی علمی در دست بگیری و پیگیر این مسائل شوی، فوقش متوجه می‌شوی که دغدغه فقط رسیدن یا نرسیدن نهار است و دیگر هیچ!

کاش لااقل پول به دست آمده از این کسورات صرف پر کردن بودجه برای اجرای رتبه‌بندی اهل قلم هسته مرکزی پیشرفت کشور؛ یعنی معلمان صبور می‌شد. همان رتبه‌بندی که از سال ۹۲ در آب و نمک خوابانده شده! همان رتبه‌بندی که هر ساله روی میز مجلس گذاشته شده و با ایراداتی بسیار مضحکانه از روی میز برداشته شده و داخل قفس پرونده‌هایی قرار می‌گیرد که در هیچ مقطع زمانی حل نخواهد شد!

خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن همان است که ۲۰ درصد برای دانشجویان خانه‌نشین و ۴۵ درصد برای دانشجویانی که در دانشگاه حضور دارند و از تن ماهی و قورمه‌سبزی‌های چمنی دانشگاه تناول می‌کنند، کسر شود.

ثوری سوم کسر ۴۵ درصد از همه دانشجویان برای پر کردن کسری بودجه همه سوراخ سنبه‌های کشور است. برای پر کردن کمبود بودجه افزایش حقوق همه مشاغل عالی کشوری که اگر اسمی از آن‌ها ذکر شود، گیس و گیس کشی راه می‌افتد که پایان این دعوا را خدا می‌داند، صرف شود.



سفری به پرشورترین و خاص ترین کشور قاره اروپا؛ اسب شادی حسینقلی زاده پانیا

اسپانیا با داشتن تاریخ غنی و همچنین تفکرات مدرن در جهان شناخته می‌شود. فرهنگ و سنت این کشور بسیار متنوع و خاص است که آن را می‌توان از نوع لباس‌های مردم تا حرکت‌های دسته‌جمعی و موسیقی و رقص و فستیوال‌ها که دارای متنوع‌ترین و رنگارنگ‌ترین فرهنگ‌ها است، شناخت. این کشور یکی از توریستی‌ترین کشورهای دنیا است که هر ساله میلیون‌ها نفر فارغ از نژاد، لهجه، فرهنگ، اقلیت و مذهب به این کشور سفر می‌کنند.

از آداب و رسوم مهم اسپانیایی‌ها می‌توان به فلامنکو، گاو بازی، تاپاس، جنگ گوجه‌فرنگی، خوردن پائیا و جشن‌های متنوع اشاره کرد. اسپانیایی‌ها علاوه بر داشتن آداب و رسوم متنوع، به خانواده اهمیت بسیاری می‌دهند به طوری که پایه و اساس اصلی ساختار اجتماعی در اسپانیا را خانواده تشکیل می‌دهد. نام‌گذاری افراد در اسپانیا به این صورت هست که ابتدا نام کوچک و پس از آن نام خانوادگی پدر و در ادامه نام خانوادگی مادر قرار می‌گیرد. نام میانی در اسپانیا مفهومی ندارد اما نام کوچک معمولاً ترکیبی از هر دو نام هست؛ در یک قاعده کلی لقب دون و دونا در ادامه نام اول آورده می‌شود و بر خلاف اکثر کشورها، نام زنان در هنگام ازدواج تغییر نمی‌کند.

مردم این کشور علاقه خاصی به جشن و پایکوبی دارند به گونه‌ای که کشور اسپانیا به کشور فستیوال معروف است. هر شهر و روستایی که در این کشور وجود دارد، فستیوال خاص خود را دارد. فلامنکو یکی از معروف‌ترین سنت‌های اسپانیایی‌ها محسوب می‌شود جالب است بدانید که فلامنکو یک رقص نیست و تنها گاهی در آن رقص وجود دارد. فلامنکو در اصل یک سبک موسیقی هست که تأکید شدیدی بر روی ساز گیتار، آواز و ریتم دارد که بسیار هم جالب و هنرمندانه هست.

و اما خوردن پائیا؛ بسیاری از گردشگران که به اسپانیا سفر می‌کنند، خواهان امتحان کردن پائیا هستند. این غذا یک خوراکی دریایی محسوب می‌شود که اولین بار در والنسیا ابداع شد. در اصل پائیا را از برنج و گوشت مرغ یا خرگوش می‌پزند اما گاهی از حلزون نیز در آن استفاده می‌کنند. شروع و اتمام غذا برای مردم این کشور از عقاید خاصی برخوردار هست؛ بدین گونه که تا میزبان شروع نکرده، غذا خوردن را آغاز نمی‌کنند و اگر غذا خوردنشان هنوز تمام نشده باشد، کارد و چنگال را به صورت ضربدری در بشقاب می‌گذارند به نحوی که چنگال روی چاقو باید باشد و با موازی قرار دادن کارد و چنگال در بشقاب خود، اتمام غذایشان را نشان می‌دهند و تا زمانی که میزبان از پشت میز بلند نشده، میز غذا را ترک نمی‌کنند.

و اما می‌رسیم به یکی از جنجالی‌ترین آداب و رسومی که مردم اسپانیا به آن تمایل زیادی نشان می‌دهند و اسم آن گاو بازی هست. این بازی و مسابقات هر ساله کشته و زخمی‌های فراوانی را به جای می‌گذارد اما همچنان یکی از طرفدارترین سرگرمی مردم اسپانیا به شمار می‌رود و دلیل برگزاری چنین مراسمی را می‌توان این موضوع اعلام کرد که اسپانیایی‌ها این مراسمات را به یاد کشته شدن کشیش مسیحی که بعد از مرگ به گاو وحشی بسته شد و در شهر رها شد، بر پا می‌کردند. و از دیگر جشن‌های مهمی که بین مردم اسپانیا مشهور می‌باشد، می‌توان به مراسم جنگ گوجه‌فرنگی اشاره کرد که این مراسم در بین مردمان این کشور اهمیت زیادی دارد و به La Tomatina معروف می‌باشد. در این مراسم مردم این کشور از گوجه‌فرنگی استفاده می‌کنند و به یکدیگر گوجه‌فرنگی پرتاب می‌کنند. این مراسم در ماه آگوست یا شهریور برگزار می‌شود.

و اما در پایان بهتر است راجب دین و زبان این کشور هم چند نکته جالبی را بدانید. دین مردم اسپانیا مسیحی می‌باشد. کاتولیک اکثریت قریب به اتفاق دین مردم این کشور را تشکیل می‌دهد البته در کنار مسیحیت، رد پای ادیان دیگری مانند اسلام و یهودیت نیز دیده می‌شود. مردم اسپانیا به زبان کاستیانا با یکدیگر صحبت می‌کنند و بیش از هفتاد درصد مردم به این زبان تکلم می‌کنند. این زبان به زبان اسپانیولی در جهان معروف است که شاخه‌ای از زبان لاتین است و این زبان خوشاوندی نزدیکی با زبان‌های ایتالیایی، فرانسوی و پرتغالی دارد.



مسجد یا کلیسا کوردوبا

زهرا مبادرثانی

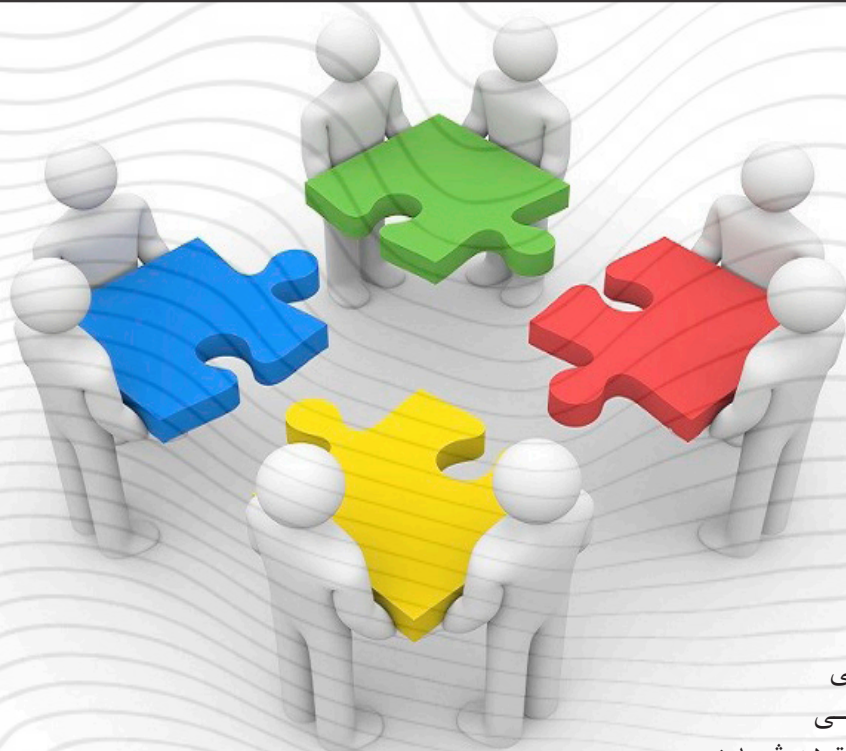
این بار می‌خواهیم سفری داشته باشیم به بنای تاریخی کوردوبا واقع در شهر کوردوبای اسپانیا مجاور رود الوادی، بنایی که مربوط به قرن ۸ میلادی است و عبادت گاه ادیان مختلفی در طول تاریخ بوده است. گفته می‌شود این بنا در ابتدا معبد گاه رومیان بوده است که در آن ژانوس را می‌پرستیدند. بعدها مسیحیان این بنا را به کلیسا تبدیل کردند تا این بنا ناظر بر مراسمات و دعا‌های آنان باشد. در روزگاری که مسلمانان اسپانیا را فتح کردند این بنا را به دو قسمت مسجد و کلیسا تقسیم کردند. مسیحیان و مسلمانان هر دو به این مکان برای عبادت می‌آمدند تا اینکه خلیفه بنی‌امیه، عبدالرحمن اول که بر اندلس (اسپانیای امروزی) حکومت می‌کرد تصمیم گرفت کلیسا را خراب کند و مسجد کوردوبا را بسازد. بازسازی این بنا تقریباً به اندازه دو قرن طول کشید تا به بزرگ‌ترین بنای تاریخی اسلام تبدیل شد که وسعت آن دو برابر وسعت بنای قبلی شد. در این ایام اندولس در شکوه علم و هنر بود و این شهر همراه بنای تاریخی خود در سال ۱۹۸۴ در یونسکو ثبت شد. ولی قصه در اینجا تمام نشد و مسیحیان که بار دیگر تسلط اسپانیا را به دست گرفتند، با اضافه کردن بخش‌هایی دوباره آن را به کلیسا تبدیل کردند. در سال ۲۰۱۰ میلادی اختلافاتی بر سر نام بنای عظیم کوردوبا شدت گرفت تا اینکه در نهایت این بنا مسجد - کلیسا کوردوبا نام‌گذاری شد.

مسجد - کلیسا کوردوبا یک بنای مستطیلی شکل به طول ۱۸۰ و عرض ۱۳۰ متر است که دارای سه در ورودی بزرگ است. از در ورودی اصلی وارد این بنا می‌شویم و با محوطه‌ای پر از درختان نارنج روبه‌رو می‌شویم. در هنگام بهار، درختان نارنج با شکوفه‌های زیبای سفید رنگ مزین شده‌اند و عطر آرام‌بخش بهارنارنج در فضای محوطه کوردوبا حال شما را دگرگون خواهد کرد. اطراف نارنجستان ایوان‌های کوچک و مناره‌ای قرار دارد. در کل بنای کوردوبا دارای دو مناره با ارتفاع متفاوت در غرب و جنوب دارد. مناره اصلی برج ناقوس است و در موعد مقرر به صدا در می‌آید. بعد از خارج شدن از نارنجستان وارد مسجد کوردوبا می‌شویم که ابتدای آن مکانی قرار دارد که گویا تفریحگاه نمازگزاران است و در امتداد آن معماری خاص و باشکوهی به سبک عربی - مراکشی دیده می‌شود. طاق‌های نعل اسبی شکل و ستون‌های بی‌شمار که با سنگ مرمر و عقیق سلیمانی پوشیده شده‌اند که نمازگزاران را به سمت قبله هدایت می‌کنند. این طاق‌ها و ستون‌های بی‌شمار آن با هنر معماری زیبا کنار هم و پشت سر هم چیده شدند تا این کلیسا را خاص‌تر از بقیه نشان دهند. در مرکز این مسجد کلیسا را می‌بینیم با تزئینات زیادی که به چشم می‌خورد. در آخر به محراب می‌رسیم که با قطعات طلا و خوشنویسی‌های عربی دور محراب تزیین شده است و بالای محراب گنبدی شکل و با ورق طلا پوشیده شده است. این مکان تاریخی بخش‌های زیاد دیگری همچون نمازخانه کاردینال که پر از کلکسیون از آثار نقره و طلا است، خزانه‌داری، شبستان مخصوص و ... دارد که می‌توانید ساعات زیادی را برای بازدید آن اختصاص دهید. این بنا دارای چلچراغ‌های پرنور زیباست تا ترکیبی از سبک‌های معماری اسلامی و مسیحی را با درخشش هر چه بیشتر زیبایی آن را به نمایش بگذارد.



فرهنگ مداری

فاطمه بهنام



موجب ترافیک می‌شود و این کار موجب از دست دادن روحیه مثبت رانندگان گرفتار در ترافیک می‌شود مخصوصاً اگر عجله داشته باشند. حال این رانندگان عصبانی شاید به دلیل فقدان مهارت کنترل خشم، کل آن روز را با همه با پرخاشگری رفتار کنند و موجب آزار تعداد زیادی از افراد شوند.

این تنها نمونه‌ای کوچک از آثار مخرب عدم درک اجتماعی متقابل و تأثیر گسترده یک عمل به ظاهر کوچک و بی‌اهمیت بود. می‌توان موقعیت‌های بسیاری را برشمرد که منجر به عصبانیت و استرس در افراد می‌شود؛ مثلاً هنگامی که در یک دورهمی دوستانه سهم خود را حساب نکنیم و یا در میهمانی‌ها بدون اجازه عکس و فیلم بگیریم یا با مصرف‌گرایی حتی به طور ناخودآگاه به اسم باکلاس بودن سعی در به رخ کشیدن دارایی‌های خود به رخ افرادی باشیم که شاید برخی از آن‌ها بی‌بضاعت‌اند و یا به طبیعت و حفظ آن توجهی نداشته باشیم و صف نوبت را رعایت نکنیم و ... می‌بینید؟ در ظاهر کارهای ساده‌ای هستند که تأثیر آن‌چنانی ندارند؛ اما غافل از اینکه آثار مخرب آن‌ها در طولانی‌مدت با ربودن آرامش روحی و روانی مردم و تبعات مخرب آن نمود پیدا می‌کند. بهتر است اگر این کارها و یا کارهای دیگری که موجب آزار مردم می‌شود را انجام می‌دهیم، سعی در ترک آن داشته باشیم و یک کار خوب کوچک را جایگزین آن کنیم؛ مثلاً چه خوب است اگر حتی در برابر کوچک‌ترین لطف، قدردان باشیم و یا با مردم با حس خوب و لبخند معاشرت کنیم و ... تا حس خوب و انرژی مثبت به جامعه تزریق شود و کم‌کم بتوان جامعه را از هرگونه اضطرابی پاک‌سازی کرد.

از ابتدای آفرینش، انسان به سبب مدنی بالطبع بودن خویش به زندگی اجتماعی روی آورد و با پیشرفت‌های کلامی و گسترده شدن مبادلات اقتصادی، حکومت‌ها پا به عرصه وجود نهادند و زیست اجتماعی انسان‌ها، دارای بنیان‌های محکم‌تری شد؛ زیرا با شکل‌گیری حکومت‌ها، مفهوم جامعه به صورت رسمی‌تر مطرح شد و برای اداره آن به نحو مطلوب، نیاز به وضع قوانین احساس شد و با اجرای آن، نظم و ثبات بیشتری زندگی بشر را در بر گرفت؛ اما باز هم از همان ابتدا، افرادی بودند که با سرپیچی از قوانین، نظم را بر هم می‌زدند و آرامش زندگی خود و دیگران را مختل می‌کردند که باز هم حکومت‌ها از قدیمی‌ترین تا جدیدترینشان برای این امر چاره‌ای اندیشیدند که با روش‌های مختلف اقناع و تنبیه و تشویق، وقوع جرائم را کاهش دهند.

با وجود همه تدابیر اتخاذشده باز هم اقداماتی در جامعه صورت می‌گیرد که جزء جرائم سنگین قضایی، راهنمایی و رانندگی و ... محسوب نمی‌شود؛ اما تداوم آن‌ها می‌تواند سلامت روحی که منشأ همه فعالیت‌های مثبت جامعه است را تحت تأثیر قرار دهد و به آن لطمه بزند و می‌توان گفت که یکی از عوامل مهم به وجود آورنده این پدیده، عدم درک متقابل افراد جامعه از یکدیگر است که برخی شهروندان دچار خودبینی افراطی می‌شوند و جز منافع شخصی خودشان، دغدغه دیگری ندارند و سایر اشخاص را درک نمی‌کنند و در مقابل بعضی دیگر از شهروندان، خود را تسلیم محض افراد سرکش می‌کنند. به طوری که انگار توان دفاع از حق خود را ندارند و این عوامل سبب مشکلاتی می‌شود که آرامش روانی حاکم بر جامعه را تهدید می‌کند؛ مثلاً راننده‌ای برای راحتی‌اش، در خیابانی کم عرض خودروی خود را به صورت نامناسب پارک می‌کند و

تربیت اسلامی؛ بال پر محمد امین صفایی روز آدم

انسان موجودی است مستعد که تمام امکانات لازم برای رسیدن به مقامات عالی بشری را دارد و برای همین است که خالق آگاه برنامه‌هایی جامع به نام تربیت اسلامی برای او تدارک دیده است تا از این امکانات به‌خوبی بهره‌مند گردد.

اسلام دینی است که به تمام ابعاد وجودی انسان اعم از مادی و جسمانی و روحی توجه دارد؛ بنابراین از ویژگی‌های اصلی و مبنایی تربیت اسلامی توجه به رشد روح انسان است که منشأ الهی دارد. هدف نهایی تربیت اسلامی این است که تمام انسان‌ها به بندگی کردن خدا و پرستش او رو بیاورند و این وجه تمایز تربیت اسلامی با دیگر سبک‌های تربیتی است. تربیتی اسلامی برای رسیدن به هدف غایی خود سعی در اصلاح رابطه آسان با خدا، خودش و اجتماع می‌کند و آن‌ها را به بهترین شکل ممکن تعیین می‌کند.

در مسیر تربیت اسلامی عوامل تأثیرگذاری چون خانواده، مدرسه و دانشگاه وجود دارند که هر یک نقش مهمی در تکوین هدف تربیتی اسلام ایفا می‌کنند. خانواده اولین نهادی است که می‌تواند انسان را در این راه یاری کند. اگر والدین به اصول و روش‌های تربیتی اسلام آگاه باشند، خواهند توانست آنچه را لازم است در وجود کودک که مانند زمین آماده کشت است نهادینه کنند. بعد از خانواده این مدرسه است که دوازده سال روح و ذهن آدمی را در اختیار دارد و هر آنچه برای سعادت و پیشرفت او لازم است را یاد می‌دهد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مفهومی بنام حیات طیبه اشاره می‌کند که هدف نظام آموزش و پرورش تعیین شده است. در بخش فلسفه تربیت رسمی نظام جمهوری اسلامی؛ حیات طیبه را وضع مطلوب زندگی بشر بر اساس نظام معیار ربوبی می‌داند که تحقق آن باعث دستیابی به غایت اصیل زندگی انسان، یعنی قرب الی الله خواهد شد. سپس حیات طیبه را یک مفهوم یکپارچه و کلی برمی‌شمرد که همه ابعاد زندگی انسان را در برمی‌گیرد. یکی از وظایف مهم نهاد امور تربیتی در مدارس تبیین درست مبانی حیات طیبه و کوشش جهت نهادینه کردن آن‌ها در ذهن و عمل دانش آموزان است.

بعد از مدرسه این دانشگاه است که تربیت آسان را به عهده می‌گیرد. در دانشگاه سعی می‌کنند ما را برای نقش‌پذیری در جامعه آماده کنند و اینجاست که اگر تربیت اسلامی به درستی اجرا بشود دانشجو قادر خواهد بود بعد از ورود به محیط شغلی و اجتماعی روابط خود با دیگران و محیط را به درستی شکل دهد.

تربیت اسلامی مجموعه‌ای از مفاهیم متعالی است که هدف اصلی آن روی آوردن تمام انسان‌ها به پرستش خداوند است و برای رسیدن به این هدف سعی در اصلاح رابطه انسان با خدا، خود و اجتماع است. خانواده، مدرسه و دانشگاه هر یک می‌توانند نقش بزرگی در تربیت اسلامی انسان داشته باشند که این امر در مدرسه توسط نهادی به نام امور تربیتی دنبال می‌شود.

حرفه‌مهری شیری روزت مبارک!

روز پنجم اسفندماه مصادف با بزرگداشت خواجه نصرالدین طوسی، روز مهندس نامیده شده است. اما چرا روز مهندس با نام خواجه نصیرالدین طوسی گره خورده است؟

طوسی یکی از سرشناس‌ترین و با نفوذترین چهره‌های تاریخ فکری اسلامی است؛ اما تلاش‌های او در علم ریاضیات و ستاره‌شناسی و تأثیر گذاری‌اش در میان فلاسفه و ریاضی‌دانان باعث شده تا روز پنجم اسفند به منظور بزرگداشت این دانشمند روز مهندس نامیده شود. مهندسی به‌کارگیری علوم با استفاده از قوانین طبیعت و فیزیکی به منظور ساخت و طراحی مواد، ساختارها، ماشین‌ها، ابزار و سامانه‌ها یا پردازش‌ها است.

شاید این تعریف کمی پیچیده باشد و نتوان به درک درستی رسید در عوض به نقل قولی قدیمی از بزرگ‌ترها می‌پردازیم:

پدر بزرگم با یک تعریف ساده از مهندسی در ایام کودکی، فهم این رشته را برایم آسان کرد. یادم می‌آید او می‌گفت مهندس یعنی کسی که کارهای فنی را به‌صورت حرفه‌ای و جامع انجام می‌دهد.

برای تبریک روز مهندس به مهندسان زحمت‌کش ابتدا ضمن آشنایی با این شغل ارزشمند و با درک درست و شناخت صحیح، به تبریک و تحسین مهندسان بپردازیم؛ چرا که بارها گفتیم و شنیده‌ایم که بن بست برای آن‌ها وجود ندارد چرا که یا راهی خواهند یافت یا راهی خواهد ساخت.



پسرواز علی قناتی

هواپیمایی پرید و هواپیمای دیگری نشست

من تحصن کردند که نروم. ولی آن‌ها نمی‌دانستند من کار و چاره‌ای جز این نداشتم. من باید می‌رفتم؛ چون قبلاً هم رفته بودم. فکر می‌کردم اوضاع بهتر می‌شود اما خدای او کارش را کرد ... درستش هم همین بود. من به قانونی که خود نوشتم، عمل نکردم؛ من زیر بار تصمیم مردم نرفتم؛ مردمی که من از آن‌ها بودم نه آن‌ها از من. حق داشتند وقتی قسمت‌های مختلفی از کشور را واگذار اجنبی کرده بودم، وقتی ارزش سگ‌های مزدوران خارجی را از وطن پرستان داخلی بیشتر کرده بودم، وقتی مردمانی در روستاها در اوج فلاکت و بدبختی زندگی می‌کردند و مراسمات میلیارد دلاری برگزار می‌کردم، آن‌ها آمده‌اند حقشان را بگیرند.

من همانی هستم که از کشور گریختم، آن چنان که ندانستم چگونه خود را به خارج از کشور برسانم؛ اما انگار بار اول خدا من قوی‌تر بود؛ اما این بار گویا برگشتی در کار نخواهد بود. دیگر خواهش و التماس چاکران و خادمان، کارساز نیست. این کله دیگر کار نمی‌کند؛ دیگر نمی‌دانم چکار باید بکنم؛ راستش را بخواهید از اول هم نمی‌دانستم ... من که کارم تمام است؛ ملت ایران مردمانی صبور هستند اما من صبرشان را لبریز کردم. آن‌ها مرا از اول هم دوست نداشتند ...

افتضاحی که به بار آمده است را واقعاً نمی‌توان با هیچ کلامی توجیه کرد؛ گرانی بی‌داد می‌کند، از همه‌جا صدای مخالفت می‌آید، بوی تعفن عفونت چرکین زخم‌های فسادهای اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی، مردم را خفه کرده است، خبری از آزادی رسانه‌ای و روزنامه‌ای نیست، فیلترینگ و سانسور در اوج خود و بگیر و ببند تقریباً هرروز در حال اتفاق است. معلم‌ها تدریس نمی‌کنند، دانش‌آموزان هم درس نمی‌خوانند. یک روز این مسئول فرار می‌کند، فردا پسرش. مردم را به گلوله می‌بندند و جوانانی که خونشان به راحتی به زمین ریخته می‌شود، بی‌آنکه گناهی داشته باشند. پیدا کردن کالا سخت شده است؛ دیگر حتی شرکای خارجی هم به داد این مملکت فلک‌زده نمی‌رسند؛ همان‌هایی که ادعای برادری می‌کردند و داد همراهی سر می‌دادند... دیگر نه ارتشی قوی فعالیت می‌کند نه سازمانی اطلاعاتی، نه نفتی به فروش می‌رود نه کمکی از خارج می‌رسد.

کجای کار دقیقاً می‌لنگد؟ چرا به جای فرار از خون، خون روی خون می‌جوشد؟ چرا گلوله‌ها اشتباهی به سمت خودی شلیک می‌شود؟ دولتمردان در استیصال مانده و حاکمی که دیگر هیچ کاری از دستشان برنمی‌آید. انگار بوی نفرت مردم در تمام این مکان پیچیده است. انگار وقت رفتن است ...

”هواپیمایی پرید و هواپیمای دیگری نشست. ۴۳ سال است که نشستش را جشن می‌گیریم. ۴۳ سال است که برای هدفی که داریم خون و دل می‌خوریم؛ اما این را هم باید گفت ما عادلیم و انصاف داریم؛ تخریب نمی‌کنیم اما نقد ما را بپذیرید. ۴۳ سال پیش تحول عظیمی در این کشور رقم زدید و پدران و مادران ما این کار را کردند؛ اما به فکر آنان هستید؟ آیا در قیامت می‌توانید پاسخ شهادتی که از همه چیز و همه کس دل بریدند را بدهید؟ آیا می‌توانید به چشمان سید تنهایمان نگاه کنید؟ شما مسئول هستید. شک نکنید که شما هم به اموات خواهید پیوست در پل صراط؛ آیا می‌توانید جواب بدهید؟ شرم بر آن‌هایی باد که شعار مردم دادند، اما شغال و گفتار بودند ... گاهی به رنگ سبز، گاهی بنفش، گاهی زرد؛ اما همگی سیاه‌اند...“

زمانی بود همه ایستاده بودند در برابر هم با لباس‌هایی اتوکشیده و مرتب. مدال‌هایی که روی سینه داشتیم کمی برایم سنگینی می‌کرد؛ اما خب چاره‌ای نبود. این‌ها وفاداران من هستند؛ همگی از معتمدین و نزدیکان. صحنه‌های دل‌نشینی بود؛ دستم را می‌بوسیدند و روی چشم می‌گذاشتند. بر ملتی حکمرانی می‌کردم که مرا دوست داشتند؛ اما به یک‌باره چه شد؟ چرا در صفحه بعدی این کتاب، هیچ‌گاه آنچه می‌خواستیم نوشته نشد؟ انگار قلم را کسی از دست من گرفت. مقاومت کردم اما او کلامی به زبان داشت که من نمی‌توانستم داشته باشم؛ خدا! دقیقاً چیزی که او مدام بر زبان جاری می‌ساخت من نیز چنین می‌کردم؛ اما او خدایی داشت که قوی‌تر از خدای من بود. انگار آن‌هایی که از سر شکم‌سیری اطرافم بودند دیگر خبری ازشان نبود. آن‌ها آمدند و جلوی دفتر



ظهور عصری نو در روابط بین‌الملل ایران علی‌عزتی

هر کاری که بخواهد، انجام خواهد داد. از طرف دیگر نیز، برای کشور روسیه و ولادیمیر پوتین نیز که اکنون به دلیل مسئله اوکراین وارد تنش‌های شدیدی با آمریکا شده و در معرض تحریم‌هایی سخت قرار دارد، این ملاقات فرصتی بود تا نشان دهد روسیه دوستانی دارد که می‌تواند در صورت مناقشه با غرب روی هم‌پیمان ایرانی خود حساب کند. همچنین چشم‌انداز افزایش همکاری‌های دفاعی و اقتصادی روسیه و دیگر کشورهای مخالف آمریکا، اهرم فشار این کشور بر واشنگتن را افزایش می‌دهد. از طرفی دیگر، ایران نیز با این دیدار، این پیام را ارسال می‌کند که اگر تحریم‌های غرب برداشته نشوند، این کشور گزینه‌های دیگری نیز دارد. اما در طرف دیگر؛ در دیدار امانوئل مکران با ولادیمیر پوتین که حواشی زیادی نیز در برداشت؛ اکثر رسانه‌ها و خبرگزاری‌ها با اشاره به این نکته که تشریفات و استقبال از رئیس‌جمهور فرانسه مثل سابق انجام نگرفت و در مقایسه با استقبال از رئیس‌جمهور ایران، با استقبال کمتری صورت گرفت. همچنین در این دیدار برخلاف دیدار و رایزنی با ایرانی‌ها همکاری و اتفاق خاصی صورت نگرفت و طرف فرانسوی صرفاً برای انجام دو مأموریت به روسیه آمده بود. اول رساندن پیغام هم‌پیمان خود یعنی کشور آمریکا و هم‌پیمانان خود در موضع روابط خارجی و ارتباط با کشور ایران؛ و دوم نیز، در رابطه با بحران اوکراین بود که به گفت‌وگو و رایزنی نشستند؛ اما بر اساس شواهد و قرائن موجود؛ که هردو مسئله و پیغام آقای مکران، بدون توافق خاصی و با پاسخ سرد کاخ کرملین مواجه شد.

حدود یک ماه پیش بود که آقای ابراهیم رئیسی؛ رئیس‌جمهور ایران، با یک هیئت عالی‌رتبه در نخستین سفر خود به کشور روسیه؛ به‌منظور رایزنی و تعامل و امضای قرارداد با هم‌پیمانان روسی خود مورد استقبال همتای روسی خود، آقای ولادیمیر پوتین و همراهان ایشان قرار گرفتند؛ و مهم‌تر اینکه مدتی بعد و در فاصله چند روز از سفر رئیس‌جمهور ایران به روسیه؛ امانوئل مکران؛ رئیس‌جمهور فرانسه نیز برای دیدار و گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین راهی کشور روسیه شد؛ و در این دو استقبال مجزای روس‌ها از میهمانان خود؛ اتفاقاتی روی داد که در بسیاری از رسانه‌های جهان بازتاب زیادی داشت. حال به‌طور مختصر و مفید به تحلیل و بررسی این دو اتفاق و تعامل مهم بین کشور روسیه با دو کشور ایران و فرانسه می‌پردازیم.

در ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که در سفر و رایزنی آقای رئیسی با همتای روسی خود؛ کاملاً واضح بود که این دیدار بیشتر یک نمایش ژئوپلیتیکی همسو و نمایانگر دیدگاه‌های مثبت سیاسی و اقتصادی و نظامی در کرملین در یک برهه حساس برای واشنگتن و مخالفان آن بوده است؛ و با توجه به اتفاقات و رایزنی‌های انجام‌شده، یک پیام بسیار مهم برای مخالفان مشترک هردو کشور و در رأس آن کشور آمریکا دربر داشت. ابراهیم رئیسی در سفر دوروزه خود نشان داد که ایران باهدف تحکیم روابط میان دو کشور در کنار کشور چین در مقابل یک دشمن مشترک، یعنی ایالات‌متحده آغاز کرده است؛ و نشان داد که کشور ایران برای افزایش قدرت و پیشرفت و توسعه خود؛ به‌صورت کاملاً مستقل



آموزش طراحی سایت (مقدماتی)

محمدامین غالبی

در ادامه مقاله قبلی، گفتیم که Dns یک بانک اطلاعاتی بزرگ است که آدرس و آی پی کلیه وب سایتها را در خود ذخیره می‌کند. هنگامی که کاربر آدرس وبسایتی را در مرورگر وارد می‌کند، آن را به آی پی ترجمه کرده و آی پی مورد نظر را به مرورگر باز می‌گرداند. مرورگر نیز با توجه به آی پی (که گفتیم اختصاصی می‌باشد)، وبسایت مورد نظر را فراخوانی و به کاربر نمایش می‌دهد. البته ذکر این نکته ضروری است که کاربر برای اینکه بتواند با سایت تعامل داشته باشد، (منظور وبسایت‌های داینامیک که در شماره‌های قبلی توضیح داده شد) به وب سرویس‌ها متصل می‌شوند. برای مثال هنگامی که شما در وبسایتی ثبت نام می‌کنید اطلاعات نام کاربری و رمز و ... در دیتابیس وبسایت ذخیره می‌شود و هنگامی که بخواهید وارد وبسایت شوید، اطلاعاتی که در صفحه ورود وارد می‌کنید با اطلاعاتی که قبلاً هنگام ثبت نام وارد کرده‌اید مقایسه شده؛ و در صورتی که تطابق داشته باشد وبسایت اجازه ورود به شما را می‌دهد. البته توجه داشته باشید که همه مواردی که در محیط وب به کاربر نمایش داده می‌شود با زبان HTML می‌باشد. به گونه‌ای که زبان‌های php یا asp.net هم محتوای خروجی خود را به کمک HTML به نمایش درمی‌آورند.

خب در این مقاله قصد داریم به مقدمات زبان HTML بپردازیم و بخش مقدماتی این آموزش را شروع کنیم. زبان HTML مخفف عبارت Hyper Text Markup Language می‌باشد و دلیل نام‌گذاری این است که تمامی دستورات با استفاده از نشانه‌هایی که به آن‌ها Tag (تگ) گفته می‌شود، صورت می‌گیرد. تگ در ترجمه فارسی به معنای برجسب می‌باشد. هرکدام از تگ‌ها ویژگی یا خصوصیت خاصی دارند؛ به صورتی که مثلاً وقتی برای یک جمله برجسب b را می‌زنیم آن جمله بلد می‌شود. در حالت کلی دو نوع تگ وجود دارد: تگ باز و تگ بسته. برای مثال اگر بخواهیم متنی را بلد کنیم آن را به گونه زیر باید داخل تگ b قرار دهیم:

 متن نمونه

همان‌طور که قبلاً مطرح کردیم در کنار HTML باید CSS نیز یاد گرفته شود؛ زیرا که این دو ارتباط بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند. CSS مخفف Cascading Style Sheets می‌باشد. در واقع به کمک CSS می‌توان استایل‌های متنوعی به یک قطعه کد داد و ظاهری بسیار متنوع و زیبا خلق کرد. در ادامه مقاله‌ها با ما باشید تا در ابتدا HTML که ستون کار ما هست را یاد بگیریم و سپس به بررسی CSS بپردازیم.



داستان

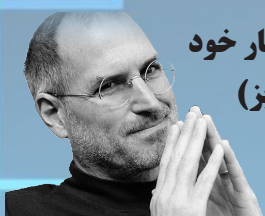
تولید آیدا محمدی

Pinterest

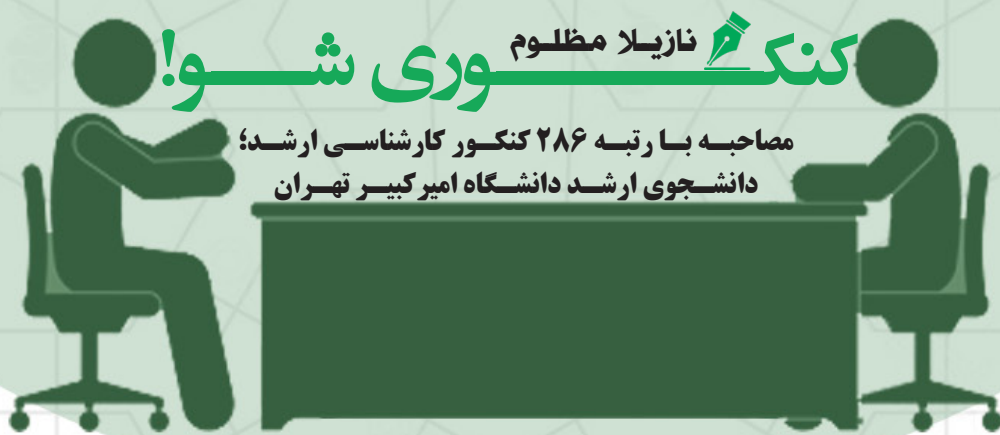
پینترست حالا لحظات و هفته‌های پایانی از ۱۲ سالگی‌اش را پشت سر می‌گذارد تا ماه آینده وارد سیزده سالگی شود. بن سیلبرمان (Ben Silbermann) در سال ۲۰۰۹ زمانی که ایده راه‌اندازی پینترست به ذهنش راه یافت شاید فکر نمی‌کرد که امروز با داشتن بیش از ۴۷۰ میلیون کاربر فعال ماهانه سیزده سالگی‌اش را جشن بگیرد. او معتقد است سال ۲۰۲۲ برای پینترست، سال بزرگی است.

را در مارس ۲۰۱۰ به عنوان نسخه بتا، راه‌اندازی کردند. آن‌ها می‌خواستند یک پلتفرم اجتماعی ایجاد کنند که به مردم امکان می‌داد تصاویر و عکس‌های مورد علاقه خود را جمع‌آوری کنند تا با دوستان و خانواده خود، به اشتراک بگذارند. داستان موفقیت بن سیلبرمن بسیار الهام‌بخش است، زیرا او به اندازه کافی پشتکار داشت تا بتواند به پروژه‌هایی ادامه دهد که اصلاً کسی به آن اعتقاد نداشت. سیلبرمن فقط مشغول طراحی سایت پینترست نبود، بلکه برای جذب کاربران جدید هم مشکلات جدی داشت. سیلبرمن روی ایده خود، بسیار استوار بود و این دقیقاً همان کاری است که شما باید انجام دهید تا در زندگی خود موفق شوید. نظر او و استیو جابز در مورد موفقیت، تقریباً مشابه است. آن‌ها معتقد هستند که برای رسیدن به پایداری، باید عقلانیت خود را کنار بگذارید. اگر سیلبرمن عقلانی فکر می‌کرد، هرگز به راه خود ادامه نمی‌داد. یک شبکه اجتماعی که طی چند ماه ۳۰۰ کاربر به دست آورد، چند سال طول می‌کشد تا به یک میلیون کاربر برسد؟ یک عمر اما در اینجا یک نکته طلایی وجود دارد، برای موفقیت در زندگی باید دیوانه‌وار، پایدار باشید. این روزها پینترست که سیلبرمن آن را یک ابزار الهام‌بخش در نظر دارد، سومین منبع بزرگ ترافیک ارجاعی در دنیای وب است. داستان پینترست به دنیا ثابت کرد که گاهی ایستادگی، حتی در مقابل تمام دنیا نیز می‌تواند ارزشش را داشته باشد و شما را به موفقیت برساند.

پینترست یکی از پلتفرم‌های نسبتاً جدید شبکه‌های اجتماعی است که طرفداران خاص خود را دارد و روز به روز به این طرفداران اضافه می‌شود. شاید پینترست و مسیر موفقیت آن، برای شما هم جذاب باشد. با حضور گسترده زنانی که از Pinterest استفاده می‌کنند، شاید تعجب کنید که این شرکت در سال ۲۰۱۰، توسط ۳ مرد به نام‌های اوان شارپ (Evan Sharp)، پل سیارا (Paul) و بن سیلبرمن (Ben Silbermann) تأسیس شد. این شرکت بیش از ۴۷۰ میلیون کاربر فعال دارد و توانسته میلیون‌ها دلار جمع‌آوری کند که آن را به یکی از جالب‌ترین برندهای حوزه فناوری خصوصی، تبدیل کرده است. به نظر می‌رسد که این ایده به صورت ارگانیک، متولد شده است؛ اما مبتنی بر توسعه تدریجی نشانه‌گذاری بصری در اینترنت می‌باشد. این نام را همسر فعلی سیلبرمن در حالی که مشغول تماشای تلویزیون بود، پیشنهاد داد. این کلمه ترکیبی از ۲ مفهوم، «Pin Board» به معنی تابلوی اعلانات و «Interest» به معنی علاقه است. بن سیلبرمن در سال ۱۹۸۳ به دنیا آمد و حالا در ۳۹ سالگی یکی از کارآفرینان جوان موفق آمریکایی محسوب می‌شود. او در کنار مادر و پدرش که چشم‌پزشک بودند در ایالت آیوا آمریکا بزرگ شد. او در دانشگاه در رشته علوم سیاسی تحصیل کرد و سال ۲۰۰۳ از دانشگاه ییل فارغ‌التحصیل شد. بعد از دانشگاه در بخش فروش گوگل مشغول به کار شد. اما مدت زمان کوتاهی آنجا ماند و طولی نکشید که گوگل را ترک کرد و به دوستان دوران دانشگاهش پیوست تا به طراحی و تولید اپلیکیشن‌های موبایل مشغول شود. زمانی که بن سیلبرمن عادت کودکی جمع‌آوری کلکسیون تمبر و پروانه خود را با اشتیاق طراحی و مهارت‌های مهندسی ترکیب کرد؛ پینترست متولد شد. او و همکارانش، از دسامبر سال ۲۰۰۹، داستان پینترست را آغاز کردند و این سایت



گاهی اوقات این که انسان عاقلی از کار خود خارج شود، دیوانگی است. (استیو جابز)



کنکور نازیلا مظلوم وری شو!

مصاحبه با رتبه ۲۸۶ کنکور کارشناسی ارشد؛
دانشجوی ارشد دانشگاه امیرکبیر تهران

ولی خب برای کسی که واقعاً قصد مطالعه کامل دارند، مطالعه منبع اصلی که معمولاً ترجمه هستند و بعد از اون کتابهای تستی، خیلی بهتر هستند و مطالب تستی قابل فهم و شیرین تر می شوند.

آیا در آزمون‌ها و کنکورهای آزمایشی شرکت می کردید؟

بله در آزمون‌های مرحله‌ای مدرسان شریف شرکت می کردم.

از چه زمانی شرکت در آزمون‌های مدرسان را آغاز کردید؟

آخر شهریور در آزمون‌ها ثبت نام کردم.

روزانه چقدر مطالعه داشتید؟

مطالعه روزانه که بهتر است بگویم هفتگی، هفتگی، ۱۸، ۲۰ ساعت تقریباً، درس‌های اضافه را چند روز آخر هفته مطالعه می کردم، بقیه روزهای هفته هم مشغول مطالعه درس‌های دانشگاه بودم.

بعد از قبولی برای ثبت نام در دانشگاه چه اقداماتی در اداره محل خدمت خود انجام دادید؟

روند گرفتن اجازه برای ادامه تحصیل در اداره طولانی بود، در ابتدا به محل خدمت اداره آموزش و پرورش خواجه رفتم، برای اداره کل آ.ش نامه فرستادند، در اداره کل بعد از کمی پیگیری، برای تعهد در محضر نامه دادند، بعد از گرفتن این تعهد، یک نسخه از تعهد را به اداره کل و یک نسخه به محل خدمت بردم و در نهایت نامه کتبی که در برگیرنده موافقت برای ادامه تحصیل بود، دادند. کل این روند ۲ روز طول کشید.

مدت زمان تعهد خدمتی که برای ادامه تحصیل

خودتان را به طور کامل برای ما معرفی بفرمایید.

سارا نسودیان شالچی هستم. ورودی سال ۹۶ آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان پردیس فاطمه الزهرا تبریز و در رشته جبر دانشگاه امیرکبیر تهران برای ارشد قبول شدم.

رتبه شما در کنکور ارشد چند شد؟

رتبه‌ام در زیرگروه اول علوم پایه رشته ریاضی با سهمیه منطقه ۱، ۲۸۶ شده بود.

استارت اصلی مطالعه برای کنکور ارشد را از چه زمانی و چطور آغاز کردید؟

برای مطالعه کنکور از ترم ۷ شروع کرده بودم و با یکی از دوستانم برنامه‌ریزی می کردیم.

از چه منابع و کتاب‌هایی برای مطالعه استفاده می کردید؟

منابعم برای بعضی دروس از منابع اصلی بودند که در کلاس معرفی شده بودند مثل جبر مجرد فرالی و...، ولی برای بقیه درس‌ها مثل زبان تخصصی، آنالیز و... از کتاب‌های مدرسان شریف استفاده می کردم.

در رابطه با منابعتان بیشتر توضیح بدید.

بخواهم صادقانه بگویم، اولین منابعم جزوه‌های کلاسی بودند ولی خب در تعداد محدودی از درس‌ها جزوه‌ها کارا و کامل بودند، برای همین سراغ منبع‌هایی که معرفی می کردند، رفتم.

بعضی منابع حجمشان زیاد بود و کامل توضیح داده بودند مثل آنالیز رویدن، برای همین با توجه به فرصت کم، کتاب‌های مدرسان بهتر هستند، به خاطر اینکه نکات تستی لازم برای کنکور رو به صورت ساده بیان می کنند.

برای تدریس آماده بشوند و بعد ادامه تحصیل. و مورد بعدی اینکه ترجیحاً تا جایی که می‌توانند تا وقتی کامل به مطالب دانشگاهی و پیش‌نیاز ارشد مسلط نشدند، در کنکور شرکت نکنند به خاطر اینکه رسیدن به سطحی که اساتید مدنظرشان است، واقعاً سخت است، البته این هم‌بستگی به دانشگاه و رشته‌ای که هدف است، دارد.

آیا قصد شرکت در کنکور دکتری و ادامه تحصیل را دارید؟

ارشد را به خاطر علاقه خودم به رشته‌ام شرکت کردم، دکتری را هم فعلاً در چند سال آینده قصدش را ندارم.

موضوعی هست که به نظر تان مهم است و ما در سؤالات به آن اشاره نکردیم؟

موضوع آخر اینکه برای ما که دنبال تحصیل برای پیدا کردن کار نیستیم، انتخاب رشته تحصیلات تکمیلی می‌تواند راحت‌تر باشد، پس به دانشجویهای دیگر هم توصیه‌ام این است که در انتخاب رشته به دنبال نظرات دیگران نباشید و با توجه به علایق خودتان انتخاب کنید.

دادید چقدر بود؟

دو برابر مدت تحصیل در ارشد، در ادامه نوشته بود، حداقل ۵ سال

یعنی علاوه بر آن ۸ سال که اول تعهد خدمت دادیم، شما دوباره برای ادامه ۵ سال دیگر تعهد دادید درسته؟

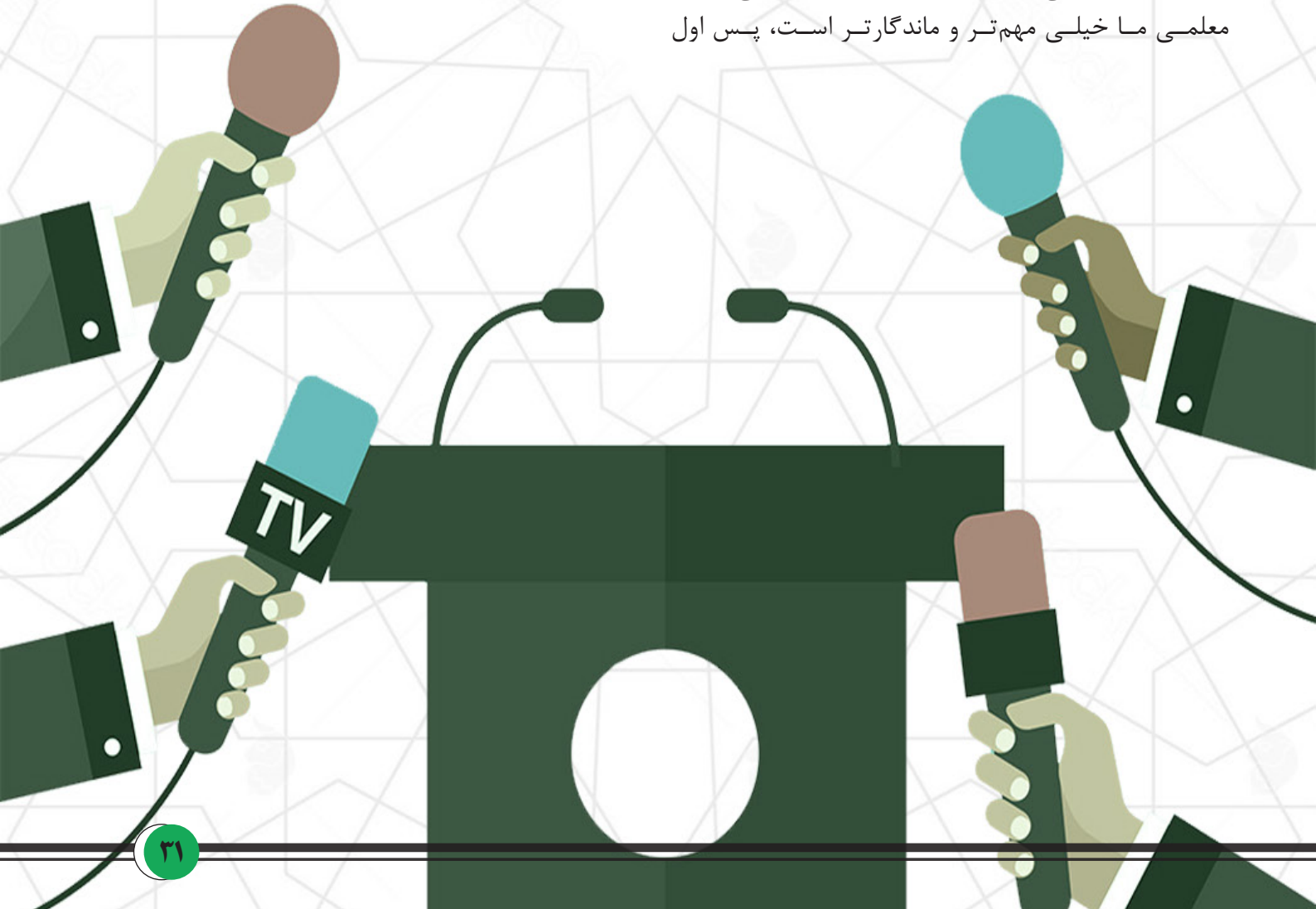
بله درسته

چگونه توازن را بین شغل معلمی و کلاس‌های دانشگاهی خود برقرار می‌کنید؟

ترم اول که شکر خدا دانشگاه مجازی بود و کلاس‌ها بعدازظهر تشکیل می‌شدند. برای همین مشکلی برای حضور در مدرسه و شرکت در کلاس‌های دانشگاه نداشتم.

چه توصیه‌ای برای دانشجو معلمانی که قصد شرکت در کنکور ارشد را دارند دارید؟

توصیه‌ام برای دانشجو معلم‌ها این است که از الان که هنوز کنکور ندادند، شروع به نوشتن طرح درس برای پایه‌ها و درس‌هایی که قرار است تدریس کنند، بکنند، درست است که قبولی در ارشد یک هدف خیلی خوب و ارزشمند است ولی شغل معلمی ما خیلی مهم‌تر و ماندگارتر است، پس اول



ته دیگ امسال

فاطمه فخرایی اقدم

به آخرین ماه این فصل رسیدیم...

زمستان کم کم بار و بندیش را می بندد و به دیار باقی می شتابد. البته این ماه، ماه سخت و جان سوز و ورشکست کننده ای است؛ بالاخره نزدیک عید است و خانه تکانی ها آغاز می شود. خانه تکانی در واقع نوعی زلزله بدون خسارت جانی که البته همراه با خسارت های مالی شدید است. در این دوره از کوچک تا بزرگ و از مرد تا زن، کوزت وار منازل خود را تمیز می کنند که ای کاش در این میان کمی هم به خانه دلمان تکانی می دادیم.

مورد بعدی چهارشنبه سوری است که در واقع آخرین روز سه شنبه سال می باشد؛ اما به دلایل مبهم و نامعلومی به آن چهارشنبه سوری می گویند.

این روز فرصتی است برای رهایی از زندگی و انفجار خودرو دیگران تا دیگر بهار سال آینده را نبینیم. دیگر دوره ترقه بازی و آتیش بازی گذشته است؛ ولی اگر امسال کسی را به خاطر منفجر کردن خود به بیمارستان بیاورند باید همان جا او را زنده به گور کرد! این ها نباید بیشتر از این زنده بمانند ... در این دوران، دانشگاه ها را زودتر تعطیل می کنند؛ زیرا معتقدند که دانشجویان در معرض خطر می باشند، غافل از این که این دانشجویان خودشان هسته اصلی خطر ساز چهارشنبه سوری اند. نوعی چهارشنبه سوری هست به نام چهارشنبه سوری دانشجویی.

چهارشنبه سوری دانشجویی مراسمی است که طی آن دانشجویانی که هفته آخر سال به دانشگاه می روند را به دامن آتش می سپارند. البته اینکه شب چهارشنبه سوری در دانشگاه باشی سخت نیست. اینکه نتوانی دانشگاه را منفجر کنی سخت است.

و آخرین موضوع مورد بحث خرید عید است که طی این یک ماه جیب ها را خالی کرده و سن افراد خرج کننده را ده الی بیست سال افزایش می دهد. البته این روزها برای افراد بسیاری روزهای حسرت کشیدن و درک معنی فاصله طبقاتی با تک تک سلول هاست.

کاش در این روزها به جای این همه کار بیهوده به همدیگر عشق بورزیم و امید دهیم ... انسان با امید زنده است.


البته این امید می تواند آیفون ۱۳ پرو مکس هم باشد... ما انسان های قانعی هستیم!



برای شنیدن نسخه
صوتی ته دیگ
امسال بارکد را لمس
یا اسکن کنید.



سنسزلیک

مهدی کاظمی 

قالمیشام سنن اوزاخ امکائی یو خودور قونوشاخ؟
بیر اولوب خلوت اداخ گنچمیشیمیزدن دانیشاخ

عمریمیز گنچدی طولیمنن نیه آیریلدخ آخی
بئله اولمازدی نیه سنده اوشاخ منده اوشاخ؟

سنه جانیم دمیشیدیم نجه جانسیز یاشئیم؟
نیه اولمازکی گلیب بیربیریمیزنن باریشاخ؟

حایاتیم سنسیز ائولیمدیر یاشیامام من سنسیز
نینمک؟ سن اوردا منده بوردا غمدن آلیشاخ؟

بیلیم چاره ندیر دردیمه درمان اولاجاخ؟
گل حایاتیم باریشاخ سئوگیمیزه چوخ چالیشاخ

گئدمه بیر صبر اله جاننان منه شیرین گوزلیم
بیر اولاخ با هم اولوخ توپراقا با هم قاریشاخ

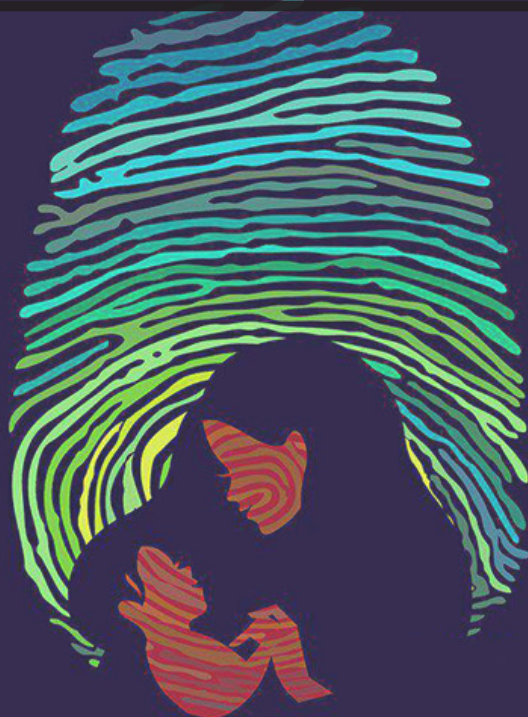


برای شنیدن نسخه
صوتی سنسزلیک
بارکود را لمس یا
اسکن کنید.

آنا دیلی

فرزانه میری

کسی که نتواند به زبان مادری خود
بنویسد و بخواند بی سواد محسوب می شود.



شناخت عمیق تری نسبت به زبان و چگونگی استفاده مؤثر از آن را به دست می آورند.

اجرای دقیق و کامل اصل ۱۵ قانون اساسی گامی مهم و بنیادین در مسائل مربوط به قومیت هاست؛ اما باین وجود اجراشدن این اصل تاکنون با چالش های بسیاری همراه بوده است؛ و به نظر می رسد اراده ای جدی برای اجرایی شدن آن باوجود آنکه ۴۰ تا ۵۰ درصد جمعیت ایران را اقوام غیر فارس تشکیل می دهند وجود ندارد و همچنان اجرای آن مغفول مانده است. اجرایی کردن آموزش به زبان مادری کار کارشناسی می خواهد، اما این کار کارشناسی باید در متن نظام آموزشی و توسط کارشناسان دلسوز و غیرسیاسی آموزش و پرورش و صدا البته باهدف تحقق حق و لحاظ مصلحت کشور انجام شود. استفاده از معلمان آشنا با زبان مادری برای دانش آموزان در مناطق دوزبانه، تلاش در جهت ارائه الگوی بومی آموزش مبتنی بر زبان مادری متناسب با وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و آموزشی کشور، به نظر می رسد ایجاد کارگروه های تخصصی در مناطق مختلف دوزبانه جهت طراحی و تدوین کتاب های آموزشی و کمک آموزشی به زبان مادری می تواند از جمله فعالیت هایی باشد که در راستای اجرایی کردن آموزش به زبان مادری مؤثر واقع شود.

« اصل پانزدهم قانون اساسی می گوید: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. و اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد. ولی استفاده از زبان های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.»

پر واضح است دانش آموزی که به زبان مادری خود نمی تواند بخواند و بنویسد، درواقع بخش بزرگی از انفعالات مغزی و ذهنی خود را به هیچ عنوان نمی تواند ارائه کند. موضوع آموزش به زبان مادری سال هاست نظام های آموزشی در سراسر دنیا را به تفکر واداشته و هرچه فرهنگ غنی تر و رفتارها جوامع پیچیده تر می شود، بر اهمیت آموزش به زبان مادری افزوده می شود. زبان مادری یعنی تفکر و شناخت. اگر کسی نتواند به زبان مادری آموزش ببیند و به آن زبان مطالعه کند و متن تولید کند، در پروسه های شناختی نظیر تفکر و یادگیری دچار نقصان شده و با مشکلات هویتی روبه رو می شود؛ چراکه زبان مادری بخش مهمی از هویت جوهری خویشتن خویش انسان است.

تاریخچه آموزش دوزبانه در ایران به سال ۱۲۶۸ خورشیدی برمی گردد؛ زمانی که میرزا حسن رشیدی مدرسه های به شیوهی جدید در تبریز راه اندازی کرد که در آن به دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی تدریس می شد؛ ولی برائر کارشکنی متحجران آن زمان این مدرسه به تعطیلی کشیده شد؛ اما به طور کلی نظام تعلیم و تربیت ایران همواره نظامی متمرکز و مبتنی بر آموزش به زبان رسمی فارسی بوده. این در حالی است که بیشتر کشورهای جهان از الگوها و مدل های مختلف برای آموزش به کودکان دوزبانه استفاده می کنند که از جمله آنها می توان به برنامه دوزبانه انتقالی، برنامه دوزبانه غوطه وری و برنامه دوزبانه دوسویه اشاره کرد. برای مثال در روش تدریس دوسویه که در سال ۱۹۸۶ در دانشگاه کمبریج طراحی شد، هر دو زبان مورد حمایت قرار می گیرد؛ یعنی نصف برنامه های آموزشی به زبان مادری دانش آموز و نصف دیگر به زبان رسمی اجرا می شود. در این روش زبان مادری دانش آموز و زبان رسمی در تعامل کامل با یکدیگر مورد حمایت قرار می گیرند و تعامل بین فرهنگی و فرصت های آموزشی به طور کامل و برابر صورت می گیرد. در این صورت یادگیری زبان مادری مانعی برای یادگیری زبان دوم و پیشرفت تحصیلی نخواهد بود. استفاده از این رویکرد باعث می شود دانش آموزان در مدرسه انگیزه بالاتری داشته باشند و وضعیت درسی بهتری را تجربه کنند. به طور کلی باید گفت دوزبانگی تأثیری مثبت بر فرآیند زبان و رشد تحصیلی دانش آموزان دارد؛ زیرا وقتی دانش آموزان در دوره ابتدایی توانایی های خود را در دو حیطه زبانی مادری و رسمی به کار می گیرند،

خلاقیت توحید فتحی - قطعه گمشده پازل آموزش (قسمت اول)

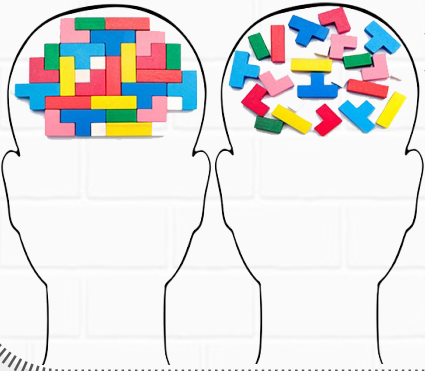
در آموزش علمی و اصولی، اصل این است که دانش‌آموز بتواند با قدرت فکر خود نقشی ویژه در فرآیند یاددهی و یادگیری ایفا کند. او باید با تفکر و نقد و نگرش خلاقانه به فرآیند یادگیری خود کمک کرده و این معلم است که باید او را در این مسیر و جهت هدایت کند و جهت تفکر خلاقانه را به وی نشان دهد.

معلم نباید به دانش‌آموز با دیدگاه یک دریافت‌کننده اطلاعات صرف بنگرد، باید دانش‌آموز را آن‌طور که هست، یعنی انسانی پویا، کنجکاو، مشتاق دریافت اطلاعات جدید، خلاق و باهوش و پرسشگر در ذهن داشته باشد. این امر می‌تواند از کور شدن حس نبوغ و خلاقیت دانش‌آموز جلوگیری کرده و حرکت معلم و دانش‌آموز در جهت نیل به خلاقیت محوری در آموزش را روان کند.

معلم باید بتواند نحوه مواجهه و تفکر هنگام مواجهه با مسائل را به دانش‌آموز آموزش دهد. به عبارتی آنچه مدنظر است نحوه تفکر و صوابت تفکر و نگرش علمی و نقادانه است نه خود فکر و با ایده. این امر از انجماد فکری و به بن بستن در کودکان جلوگیری می‌نماید و تداعی گر ضرب‌المثل (جای ماهی هدیه دادن به کسی، به او ماهی را یاد دهید) است. این رویکرد به شکوفایی استعدادها و پتانسیل‌های ذاتی تمامی دانش‌آموزان و بهبود عملکرد درسی‌شان کمک شایانی خواهد کرد. بحث خلاقیت بحثی است که باید به‌طور گسترده در دستور کار مسئولان امر هر جامعه‌ای قرار گیرد؛ از آموزش و پرورش گرفته تا سازمان‌های فرهنگی، از صداوسیما تا سازمان‌های ورزشی و ...

این امر مستلزم توجه خاص و نگاه ریشه‌ای به اهمیت موضوع است. خلاقیت اگر جامعه‌ای شکوفا باشد جامعه‌ای سرحال، پویا و علمی‌ای خواهیم داشت و برعکس اگر خلاقیت در افراد جامعه و به‌ویژه مهم‌ترین قشر آن یعنی دانش‌آموزان کم‌رنگ باشد شاهد ضعف‌های ساختاری و اساسی در اغلب امور جامعه خواهیم بود.

” بحث پرورش خلاقیت و تفکر خلاقانه موضوعی است که باید از سنین کم و دوران کودکی افراد به آن توجه شود. باید از همان اوایل زندگی فرد در نهاد های تربیتی و آموزشی و انتشارات و رسانه‌ها و همه و همه اصل بر تفکر خلاقانه و خلاقیت محوری باشد تا شخصیت شکل گرفته کودک بر محور خلاقیت و به‌کارگیری آن در زندگی باشد نه تقلید و تفکر منجمد و ... “



گیم فاطمه نجاری - اف تیچینگ

بازی‌های آموزشی چه تأثیری بر روند آموزش و یادگیری کودکان دارند؟

تحقیقات علمی نشان می‌دهد که میزان تمرکز دانش‌آموزان در کلاس درس نهایتاً ده دقیقه است و از طرفی عدم جذاب بودن محتوای کتاب‌های درسی برای دانش‌آموزان، هر معلمی را با چالشی جدی در امر آموزش روبرو می‌سازد. برای یافتن راه‌حل و فراهم آوردن شرایطی که در آن دانش‌آموزان با سطوح مختلف بتوانند طعم یادگیری را بچشند، نیازمند تغییر و تحول در شیوه‌های تدریس هستیم. یکی از راه‌هایی که می‌تواند با ابزار کم، معجزه بیافریند و موجب افزایش انگیزه و رغبت دانش‌آموزان در بحث یادگیری شود، روش آموزش مبتنی بر بازی است.

بازی دقت یادگیری را افزایش می‌دهد و برای مفاهیم سخت هم‌زمانی ساده دارد. در هر سنی متناسب با میزان درک یاد می‌دهد. بازی‌های آموزشی در ارتقاء مهارت‌های حل مسئله و تفکر نیز اهمیت بسزایی دارند، به همین علت از بروز رفتارهای کلیشه‌ای جلوگیری شده و در مقابل موجب ظهور خلاقیت می‌گردد. بازی کردن می‌تواند در فراهم آوردن زمینه یادگیری هنرهای مختلف مانند نقاشی، شعر و موسیقی کمک‌کننده باشد. از دیگر مزیت‌های بازی در آموزش هم‌زمان بودن سنجش با یادگیری است؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموز بازخورد عمل خود را سریعاً دریافت می‌کند و حتی در باختن هم می‌آموزد.

از بازی‌ها می‌توان برای مرور درس‌های جلسات قبل، برای امتحان، تکلیف و تقویت دروس بهره برد. اگر دوست دارید کلاستان از فواید آموزشی بازی بی‌نصیب نماند، اگر به دنبال کاهش استرس دانش‌آموزان در امتحان هستید و اگر در جستجوی راهی برای لذت‌بخش کردن مشق‌های تکراری هستید؛ منتظرمان باشید که در شماره‌های بعدی به معرفی برخی از بازی‌های آموزشی می‌پردازیم.

” بازی از دوران کودکی برای همه ما جذاب و سرگرم‌کننده بوده و هست چراکه با ایجاد شور و هیجان، موجب ترشح دوپامین در مغز شده و انگیزه و سطح انرژی را افزایش می‌دهد. در گیر کردن دانش‌آموز با استفاده از بازی‌های آموزشی از منفعل بودن دانش‌آموزان در کلاس درس جلوگیری می‌کند و این امر موجب تعامل و همکاری دانش‌آموزان می‌شود که در نهایت باعث ایجاد ارتباط مؤثر و آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌گردد. “

توییت‌تر

وجیهه گوزلی



Azadeh bokaei ✍️

در سال نو به فکر کودکان بی بضاعت باشیم.
#خرید-عید



مهدی محمدی کیا ✍️

وقتی تنهاییم، اوقات فراغتمون رو با کتاب
خوندن یا فیلم دیدن پر می‌کنیم؛ اما آخرش
دوست داریم یه نفر باشه تا باهاش راجع
به کتاب‌هایی که خونديم يا فيلم‌هایی که
دیدیم ... حرف بزنیم. #زندگی



Reza Zanganeh ✍️

می‌رسد از عمق جان آواز من
جان فدای رهبر جانباز من
#روز - جانباز



مریم دهقانی ✍️

این سوپه امیکرون اینجوریه که بهش فکر
می‌کنی هم مبتلا میشی. خیلی هم از بقیه
سوپه‌ها ضعیف‌تر نیست؛ دست کم نگیرید!
#امیکرون



گل نرگس ✍️

یا امام رضا دلم هوای تو کرده شه خراسانی
چه می‌شود که بیایم حرم به مهمانی
دلم ز کثرت زشتی بریده آقا جان
عنایتی که بیایم، تویی که درمانی
#امام-رضا



پیمان ✍️

بسیار می‌شنوم که به جوانان کنکوری می‌گویند
برید دنبال علاقتون. ولی آیا جوانی که تازه ۱۸
ساله شده و جز محیط دبیرستان چیزی ندیده و
نظام آموزشی هم جز رقابت و اضطراب چیزی برایش
نداشته می‌دونه علاقه اش چیه؟
#کنکور



سالار ✍️

خداوند در حدیث قدسی می‌فرماید: من در
زمین و آسمانم نمی‌گنجم؛ ولی قلب بنده
مؤمنم مرا در خود جای می‌دهد.
حرم خدا رو هم گردگیری می‌کنیم؟
#خانه - تکانی - دل



اسمائیل ✍️

زندگی هیچ وقت هیچ ضمانتی به هیچ‌کس نداده،
هیچ تضمینی نیست لحظه‌ای که فکر می‌کنی
همه چیز داره عالی پیش میره یک آن همه چیز
ناپود بشه. تنها راهی که می‌تونی قسر در بری
پذیرش این موضوع.
#پذیرش



علی فلاحتکار ✍️

مشکل معیشت معلم مشکل انکار ناپذیری
است ولی درد معلم بیشتر از معیشت تبعیض
است، اگر پول نیست برای همه نباشد.
#رتبه-بندی



سجاد ✍️

آدم‌ها رو ذخیره نکنیم برای روز مبادا، اگر برای کسی
نصفه و نیمه‌ایم و او برایمان تمامش را خرج می‌کند
توی آب نمک نخواهیم. احساسات این آدم‌ها یک روزی ته می‌کشد و تا به
خود بیایید می‌بینید که راهی برای بازگرداندن آدمی
ندارید که با صداقت احساسش را خرجتان کرده بود.
#احساس

سازنده ایمانی و دودک

با ارسال پاسخ سوودکو جوایزی به قید قرعه اهدا خواهد شد.

A	C								D				3
				C	D	5		G	6	E		2	B
3			E			4		A	5			C	6
6		2				G		C	8	F	1		A
C		1	B			E			A				9
		A	3					E					7
	6	D		9			8		F	1	G		
2	E	4	9			1	7	5	3	C		8	
	F			7		3		1		B	D	A	5
5	4		A	6				9	E				3
B	D		2	G			1				A		F
	7		G			F						4	B
4			C	D	E	7	6			3	B		
	3		7	F	A			4		2	D	5	1
	2		F	4		9		8	D		C	7	
A	9		3	B				7	1		E	6	F
													4
													C

سوزن دوزی نازنین محمدی

سوزن دوزی یکی از صنایع دستی و هنرهای ایرانی است که با نخ و سوزن روی پارچه و دیگر بافت‌ها انجام می‌گیرد. این هنر در ایران بیشتر در بلوچستان و بعضی از مناطق دیگر ایران همچون اصفهان، بختیاری‌ها، شمال کشور، خراسان و یزد انجام می‌شود. سوزن‌دوزی‌های این مناطق از لحاظ طرح، رنگ و نوع دوخت باهم تفاوت‌هایی دارد. در ایران مهد هنر سوزن دوزی بلوچستان است که توسط زنان بلوچ انجام می‌گیرد.

در روش‌های اجرای سوزن‌دوزی تنوع زیادی وجود دارد. معمولاً برای سوزن‌دوزی از کارگاه گل‌دوزی (قابی به شکل مستطیل یا دایره برای صاف نگه داشتن پارچه) استفاده می‌شود. روی پارچه‌های کتان، زربافت، ابریشمی، پشمی و پنبه‌ای روش‌های مختلف سوزن‌دوزی اجرا می‌شود و در آن از نخ‌های ابریشمی، پشمی، الیاف مصنوعی، نخ گلابتون، نخ نقده، نخ ملیله و نخ سرمه استفاده می‌شود. پارچه‌های سوزن دوزی دارای طیف گسترده‌ای از نقوش هستند؛ مثلاً پارچه‌های مربوط به بخارا دارای طرح انگور با برگ دندان‌دار و گلدان پر از گل سرخ هستند. به طور کلی طرح‌های سنتی سوزن دوزی شامل نقش‌های خورشید و ماه، گل‌ها و نیلوفرهای بالارونده، برگ و انگور، میوه‌ها (به خصوص انار) و گاهی طرح ماهی و پرندگان می‌شود. در واقع خاستگاه این هنر از زنان عشایر بود و بیشتر برای زیباتر کردن چادرهای عشایرشان استفاده می‌کردند، اما امروز نقش زینتی در خانه‌ها دارد می‌توان هنر زیبا را علاوه بر روی لباس به صورت قاب و تابلوهای زینتی، بر روی دیوار نصب کرد. در مؤسسات فنی و حرفه‌ای هنر سوزن دوزی آموزش داده می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند از محتوای آن‌ها استفاده کنند، این هنر بیشتر تک نفره و در خانه انجام می‌شود.

فرقه جهیزه

اگه از این مرحله
موفق رد بشی به
جایزه ویژه می رسی

جایزه ویژه
امتیاز ۱۵۰۰



چهارشنبه سوزی